

چند اظهار نظر پیرامون «کار» ۵۹

بیژن هیرمن پور

۲۴ خرداد ۱۳۵۹ (۱۴ ژوئن ۱۹۸۰)



<https://bijan.hirmanpour.net>

در این شماره «کار» از نظر اصول و تئوری و خط‌مشی چیز تازه‌ای بچشم نمی‌خورد. همه چیز همانگونه [است] که در آن زمان که با شدت از طرف مرکزیت انکار میشد و از مردم پنهان نگهداشته میشد. شما گفتید و ما هم در عمل و نظر بعدی سازمان آنرا دیدیم. ولی ویژگی این شماره آنست که با صراحت و وضوح، اپورتونیزم دست خود را باز میکند و مخصوصاً اصرار دارد که همه بدانند که او اپورتونیست است؛ که او از اینهمه عمق مبارزه توده‌ای ترسیده است؛ که او «در این شرایط دشوار، [و به قول؟] حکام وقت، «حساس»، مرد میدان مبارزه نیست؛ و بالاخره خود را توجیه کند که اصولاً مبارزه در این شرایط «خیانت بزرگ» میباشد.

ما مخصوصاً از ده یازده شماره قبل «کار» دیده بودیم که نویسندگان این نشریه چنان داستان‌رایی میکنند که گوئی برای ابلهان چیز می‌نویسند نه مردمی که اگر همه تاریخ را کنار بگذاریم لاقلاً سه سال است در کوران یکی از جدی‌ترین انقلابات بسر می‌برند. داستانهای فرمایشی و گفت و شنودهای فرمایشی را در «کار» مدتی بود میخواندیم و گفت‌وگوهای مصنوعی قهرمان داستان «کار» را با پاسداران زندان گرگان پیش از این دیده بودیم. همچنین ما پیش از این دیده بودیم که چگونه در جریان انتخابات و برو و بیای سازمان و همچنین در جریان دانشگاه که حکام ترسیده از خشم مردم به مرکزیت سازمان میدان دادند، روزنامه «کار» برای «پیکار» و «راه کارگر» عضله گرفت که ما اینیم! و چنین قدرت و چنان پایگاه توده‌ای داریم که در تعادل قدرت میان جناح‌های حاکم «نقشی» تا به این حد مؤثر و مهم پیدا کرده‌ایم! (کار ۵۶)

همچنین ما مدتهاست شاهدیم که روزنامه «کار» به شیوه قدیم «کمیته مرکزی حزب توده» در مبارزه ایدئولوژیک با سازمانهای دیگر نه از تشریح شیوه‌های مبارزه بلکه از فاصله آنها با خودش سخن میگوید. در «کار» شماره ۵۰ مثلاً دیدیم که بر اساس این اندازه‌گیری کرد که: «اما در میان جریان‌های وابسته به خط ۳ و حتی از آن وسیع‌تر در سطح جنبش کمونیستی ایران برنامه حادقل سیاست و خط مشی پیکار در برابر حاکمیت و مبارزه طبقات و تحلیل این جریان از موقعیت فعلی نسبتاً منطقی و از سایر جریانات مدعی مارکسیسم به برنامه و سیاست سازمان ما نزدیکتر است» و باز بسبب «کمیته مرکزی» از: «بنظر میرسد که - لاقلاً در سطح کسانی که با واقعیت‌های مبارزه طبقات تماس ملموس‌تری دارند گام‌های معینی بسوی تصحیح خط‌مشی برداشته شده است»، سخن میگوید و این بار عیناً مانند «کمیته مرکزی» اعلام میکند که «... اگر تز ارتجاعی سوسیال امپریالیسم مانع نبود ما رأی دادن به این سازمان و حمایت از آن و همکاری نزدیکتر با آن را مشخصاً به سود جنبش کمونیستی می‌شمردیم.» (نقل قول از صفحات ۷ و ۱۰ «کار» ۵۰)

باز دیده بودیم که «راه کارگر» بخاطر رد «مشی چریکی» و خدماتی که در این زمینه کرده مورد تشویق قرار میگیرد و فقط به او ایراد گرفته میشود که هنوز از عوارض این مشی خود را رها نکرده است. بهرحال ما پیش از این دیده بودیم که روزنامه «کار» با هواسنجی اپورتونیستهای کهنه‌کار جهت‌گیریهای خود را بدون هیچگونه پای‌بندی به اصول تغییر میدهد.

ما دیدیم که چگونه وقتی سازمان بدنبال حزب جمهوری اسلامی افتاده بود، فرصت طلبانه اعلام کرد که مبارزه با «لیبرالیسم» امروز عمده است و مخصوصاً در مباحثه با سازمان مجاهدین که حزب جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار میداد و او را در زمره مرتجعین قرار میداد، می‌گفت.

ولی بعد از روی کار آمدن بنی‌صدر، اپورتونیستهای سازمان با همه آن شور و حرارت ضدلیبرالی خود تاب خودداری در برابر عشوهای دموکراتیک بنی‌صدر را نیاوردند و بدون اینکه این بار خوانندگان خود را

از آتش این عشق گناه‌آلود و پنهانی خود آگاه کنند، (برخلاف دفعه قبل که بیش از حد بی‌قراری میکردند) در صفحات روزنامه «کار» شاهد حمله به «حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب» بعنوان آماج‌های جدید مبارزه هستیم بدون آنکه بدانیم بالاخره سرنوشت «مبارزه ضدلیبرالی» چه شد. چرا روزنامه «کار» همان راهی را می‌رود که سازمان مجاهدین می‌رود و خود را با حزب جمهوری اسلامی طرف کرده؟ همه اینها را پیش از این دیده بودیم و دیده بودیم که چگونه اپورتونیستهای سازمان مانند کهنه‌کاران «کمیته مرکزی» برنامه مبارزاتی خود را بر همین ملاحظات پست و حقیر قرار میدهند.

دیده بودیم که وقتی حکام وقت به شریعتمداری و بختیار حمله میکردند آنها نیز شریعتمداری و بختیار را مورد هجوم قرار دادند و وقتی آن حکام بنا به مصالح خویش نام شریعتمداری را از لیست حذف کردند، در روزنامه «کار» هم دیگر از شریعتمداری سخنی گفته نشد و حالا که حکام وقت نام نزیه را به صدر جدول برده‌اند در روزنامه «کار» نیز نام نزیه قبل از نام دیگران می‌آید.

و دیده بودیم که وقتی حکام جدید بنا به مصالح استراتژیک و سیاسی خود مخصوصاً در کردستان و خوزستان در صدد برمی‌آیند یک جوّ ضدعراقی ایجاد کنند و مبارزات مردم را به بهانه «مزدوری بعث عراق» سرکوب کنند، چگونه رهبران سازمان نیز برای صدام خط و نشان کشیده‌اند.

بله همه اینها را دیده بودیم، ولی بتدریج و پراکنده، اما در «کار» ۵۹ همه را یکجا در کنار هم می‌بینیم. در این شماره فقدان کامل اصول، هرزگی و بی‌بند و باری در برخورد با دیگران، کرنش و چاپلوسی در مقابل قدرت و ترساندن مردم از مبارزه همه و همه در کنار هم و حتی در تیتراهای روزنامه عمداً به معرض نمایش گذاشته شده است.

در اینجا به چند نکته‌ای که مطمئنیم بنظر هر خواننده ساده‌ای هم رسیده است اشاره می‌کنیم:
 یک- در سرمقاله «کار» ۵۹ زیر عنوان «برای مقابله با امپریالیسم آمریکا اتحاد همه زحمتکشان یک ضرورت تاریخی است»، همان تبلیغاتی که از همان آغاز انقلاب توسط مرتجعترین محافل وابسته به حکومت در توجیه سرکوب بیرحمانه و بیشرمانه نهضت انقلابی مطرح میشد و باصطلاح لفاظی ظاهرالصلاح همه این سرکوبها را تشکیل میداد، بعنوان تحلیل سازمانی «با مسئولیت عظیم»، ارائه میشود. همان داستان قدیمی دولت ملی بر سر کار آمده است: («همچنانکه بارها اعلام داشته‌ایم حکومتی <وابسته> نبوده و نیست.»).

مخالفین چپ، و یا بقول این مقاله «آنارشپیستها»، به مقابله با آن برمی‌خیزند و در سرنگونی آن با امپریالیسم و «لیبرالها» همکاری میکنند و به این ترتیب «بزرگترین ضربات» و «بزرگترین خیانت»ها را به جنبش ضدامپریالیستی ما روا میدارند و اصولاً همین «چپ»ها هستند که زمینه و بهانه عملیات «محافل جنگ‌افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه» را فراهم میکنند و سازمان که از «سیاست اصولی» پیروی میکند، در این شرایط که «بازماندگان رژیم سابق، طبقه سرمایه‌دار ایران، زمینداران بزرگ و فرماندهان امریکائی ارتش و هزاران ساواکی»، «عناصری از محافل سرمایه‌داران لیبرال امثال بختیار و نزیه با حمایت همه جانبه امپریالیسم جهانی»، و نیز امپریالیسم «با تمرکز تفنگداران خود در خلیج فارس و پایگاههای نظامی پاکستان، عمان، عربستان سعودی و با سازماندهی هواداران رژیم شاه در مصر و اسرائیل و عراق و توزیع سلاح در میان فئودالها و خوانین مرتجع مناطق جنوبی و مرکزی کشور»، «در فرصتی مناسب و به کمک فرماندهان ارتش» قصد سرنگونی این دولت ملی «و بر سر کار آوردن حکومت دست‌نشانده خود

را دارند، خلاصه، در شرایطی چنین «سرنوشت ساز»، این سازمان ظاهراً دست به تحلیل میزند تا بگوید «بزرگترین ضربات» از جانب چپ به نهضت انقلابی ما وارد میشود!

منظور نویسندگان این مقاله روشن است و آنها چیزی را تحلیل نکرده‌اند تا بگوئیم در تحلیل خود دچار اشتباه شده‌اند. آنها صرفاً نظر خود را اعلام کرده‌اند و در واقع تمایلشان را ابراز داشته‌اند، ولی بگذارید آنچه را آنها اعلام کرده‌اند ما تحلیل کنیم. چه کسانی بر علیه دولت کنونی می‌جنگند؟ از نظر سازمان در فوق مطلع شدیم:

۱. «بازماندگان رژیم سابق». آیا چه کسی مجال داد که از رژیم سابق «بازماندگانی» در ایران باشند. «آنارشیستها» که از همان آغاز خواستار امحاء کامل آنان بودند.
۲. «طبقه سرمایه‌دار ایران». این طبقه که از ترس همین «آنارشیستها» فراری شده بود، زیر کدام چتر دوباره متشکل شد و دشمنیش با دولت کنونی چیست؟ آیا یکی از بزرگترین اتهامات همین «آنارشیستها» این نیست که علیرغم توصیه دولت از مبارزه با «طبقه سرمایه‌دار ایران» دست برنمیدارد؟
۳. «زمینداران بزرگ». و آیا همین روزنامه «کار» بارها نوشته است که «زمینداران بزرگ از طرف دولت بر ضد مردم مسلح میشوند»؟ آیا «آنارشیستها» یکی از جلوه‌های آنارشیسم‌شان در مبارزه با همین «زمینداران» متجلی نمیشود؟
۴. «فرماندهان آمریکائی ارتش». همان فرماندهان را چه کسی ابقاء کرده است؟ در همین جریان طبعاً حتی کوران هم دست فرماندهان ارتش را در کار دیدند چه کسانی خود را بمیان معرکه انداختند و باز آب تطهیر به این جانپان ریختند؟ آیا همین خمینی که از نظر سازمان رهبری مبارزه ضدامپریالیستی را همچنان در دست دارد، پیام اول ماه مه خود را به توصیه سکوت در مورد اعمال این فرماندهان تبدیل نکرد؟ مگر همین بنی‌صدر پیام مخصوص در این مورد نداد و مگر «آنارشیستها» جز این کار «آنارشیستی» را کردند که گفتند موضوع طبعاً خیلی بزرگتر از اینهاست که اعلام شد؟
۵. «هزاران ساواکی». آیا نام این هزاران ساواکی در اختیار این «دولت غیر وابسته» نیست؟ آیا نمیتواند یک‌شبه همه آنها را دستگیر کند؟ آیا نمیتواند نام آنها را اعلام کند تا مردم آنها را بگیرند و تحویل دهند؟ چرا میدانند ولی نمیخواهد و «سازمان» هم میداند که نمیخواهند. چه کسی به این «هزاران ساواکی» عفو عمومی داد؟ جز «شخص آیت‌الله خمینی» که در این مقاله «سرخستی او مقابل امپریالیسم» مورد ستایش قرار گرفته؟ و آیا «آنارشیستها» جز این گناهی ندارند که کسانی که «بازماندگان رژیم سابق» را نگه میدارند، کسانی که «طبقه سرمایه‌دار ایران» را مجال تشکل میدهند، کسانی که «فرماندهان امریکائی ارتش» را بر سر کار نگه میدارند و هر روز دعایشان میکنند، کسانی که «زمینداران بزرگ» را مسلح میکنند و پر و بال میدهند، کسانی که «هزاران ساواکی» را آزاد میکنند و همچنین (اینجا دیگر گناه آنارشیستی‌شان را نمیشود بخشید) همانهایی را که به کمک همه اینها کمر به نابودی انقلاب ایران بسته‌اند، دشمن انقلاب ایران میدانند؟ مگر بختیار را مردم نگرفتند و تحویل ندادند، چرا سر از پاریس درآورد؟ چرا نزیه که مقاومتی سرکش نکرده

بود انقلابی جلوه داده میشد و زمام مهمترین درآمد مملکت به او سپرده میشد؟ چه کسانی نزیه را برای ملت ایران علم کردند؟ چه کسانی رحمت مراغه‌ای را به استانداری آذربایجان فرستادند؟ همانهاییکه امروز بیشرمانه و ریاکارانه کسانی را که حاضر نیستند اینها را دشمن اصلی بدانند و آنها را مهره‌هایی بیش نمیدانند، «آنارشئیستهای» «چپ‌رو» و «مزدور امریکائی» میخوانند و سازمان این سخنان را تکرار میکند.

راستی فرق «آنارشئیستها» با سازمان در چیست؟ در یک امر ساده: «آنارشئیستها» دشمنان انقلاب را می‌شمارند. صف خلق و ضد خلق را اساس تحلیل خود قرار میدهند و سازمان، دشمنان حکام کنونی را می‌شمارد و ستیزهای دشمنان خلق را با یکدیگر اساس تحلیل خود قرار میدهد و در این میان همه واقعیات یکسره قربانی و تحریف میشوند.

بله، این درست است اگر امپریالیستها از این دولت «نومید» شدند آنرا سرنگون خواهند کرد و همه دشمنان خلق بطورکلی وقتی از توانائی یک دولت برای سرکوب خلق «نومید» شدند به مخالفت با آن برمیخیزند. یاد روزهای خوشی که بازرگان، یزدی، هویزر، بهشتی، شریعتمداری، نزیه و ... در آغاز کار گرد هم جمع شده بودند و همه با هم حکومت میکردند بخیر! ولی آن جشن ادامه نیافت. چرا؟ برای آنکه شعله‌های انقلاب خاموش نشد.

اگر سازمان می‌بیند که وضع حاکمیت کنونی به سمت وخامت می‌رود باید به این سو هم نظری بکند تا علت آنرا بفهمد. مبارزه توده‌ها عمیقتر شده است. این اتفاقاً چندان نه به «آنارشئیستها» مربوط است و نه «سازمانهای اصولی» که بهرحال هنوز در سمت چپ میتوان با اشاره جایشان را نشان داد، گرچه اکثر صندلی خود را رها می‌کنند و در سمت راست، مصاحبین شیرین‌سخن خود را پیدا می‌کنند.

سازمان، بارها تحلیل کرده و مخصوصاً اینروزها بیشتر برخ دیگران کشیده که فقط خود اوست که در میان توده زحمتکش «پایگاه» دارد: «آنارشئیستها» جز در «محافل روشنفکری خرده‌بورژوازی» آنها بطور «پراکنده» هواداری ندارند. و ما نیز میتوانیم این سخن را قبول کنیم، ولی دو چیز میماند یکی آنکه اگر اینها هیچ پایگاهی میان توده‌های زحمتکش ندارند، چگونه میتوانند منشأ «بزرگترین ضربات» و «بزرگترین خیانت»ها نسبت به انقلاب باشند؟ بفرض که یک گروه و یا چند گروه محدود «روشنفکر خرده‌بورژوازی» «جدا از توده» افکار چپی در سر داشته باشند، چگونه میتوانند چنین «ضربات بزرگ»ی به نهضتی که بحمدالله از سرسختی نیروهای ترقیخواه و انقلابی «دانشجویان خط امام» و «شخص آیت‌الله خمینی» و «پایه توده‌ای» برخوردار است، وارد سازند؟ «بط را ز طوفان چه باک!»

یا مسأله چیز دیگری است و این توده‌ها همانطور که زمان شاه خودبخودی مبارزه کرده‌اند امروز هم تا حد زیادی بطور خودبخودی مبارزه میکنند و نه به تهدیدها و نصیحت‌های حکومت و نه به پند و اندرزهای حکیمانانه اپورتونیستها گوش میدهند. آنوقت این هردو دسته که به مصلحتشان نیست که مستقیماً بخود توده‌ها دشنام دهند، عوامفریبانه زیر عنوان «آنارشئیسم» و «چپ روی» بدشنام‌گوئی میپردازند. شاید چنین باشد. شاید وقتی که مدعیان پیشاهنگی در درون این جنگ مقاومت در برخورد فعال با مسائل برای «مقاومت ایدئولوژیک و سیاسی دچار ضعفهایی ...» (ص ۲۲ کتاب اشرف دهقانی بازمانده‌ای از دوران کودکی) هستند، وقتی مثلاً خبر کشتار قله‌تان در همه جا پخش میشود «دوباره مردم

رو به سنگرها» می‌آورند (مقاله یادداشتی از سفر روزبه به کردستان - «کار» ۵۹ ص ۸) و مسلماً مصمصانه می‌جنگند.

نهضت خودبخودی با قدرت پیش می‌رود و امپریالیسم و بطورکلی تمام دشمنان خلق برای آن دسیسه می‌چینند، بخاطر سرکوب آن متحد میشوند و وقتی این اتحاد نتیجه نداد دوباره از هم میپاشند و بفکر دسته‌بندی تازه‌ای می‌افتند و همه این مبارزات ماهیت ضد خلقی آنها را تغییر نمیدهد و بسیار جالب است که بدانیم همه آنها هم به ارتش ایران با نظر احترام مینگرند. وجه مشخصه همه دشمنان خلق ایران و آنچه در آن وحدت نظر دارند حمایت و ستایش از ارتش است و دلیل آنهم روشن است. کافیت اندکی «آنارشیسیم» که در قاموس اپورتونیستها معنی «واقع‌بینی» بخود گرفته در خون انسان باشد تا به راحتی دلیل آنرا بفهمد.

واقعیت آنست که اگر مردم مبارزه میکنند نه بدلیل آنست که «آنارشیسیم» در آنها نفوذ کرده بلکه بدلیل آنست که علی که آنها را به انقلاب کشاند مرتفع نشده و اگر مردم دست از مبارزه بکشند و این دولت بتواند تثبیت [شود، دیگر هیچ دلیلی؟] برای هیچیک از «باقی‌ماندگان رژیم سابق»، «طبقه سرمایه‌دار ایران»، «زمینداران بزرگ» و «فرماندهان امریکائی ارتش»، و «هزاران ساواکی» و «امپریالیستها» در مخالفت با آن وجود نمیداشت، زیرا از همان آغاز معلوم [میشود که منافع همه اینها؟] تأمین خواهد بود.

ولی مشکل از وقتی شروع شد که معلوم شد مردم با یک فتوی دست از مبارزه برنمیدارند. آنگاه در صف ضد خلق اختلاف افتاد، یکی چماق و زندان و اعدام تنها و دیگری روش دیگری را پیشنهاد میکند. در شیوه‌ها اختلاف دارند، در منافع خود تضاد دارند، در وابستگی‌های خود متفاوتند، ولی این دیالکتیسین‌های ما با همه این تضادها وحدتی مخوف و مرگبار دارند: دشمنی با خلق! و پشت سر هر یک از آنها سینه بزیند بهرحال در صف ضد خلق قرار میگیرید.

«آنارشیسیتها» را مرعوب کنید تا دست از مبارزه بکشند و خود هم بکناری بایستید و بحالت تسلیم دست روی سر بگذارید همانطور که گذاشته‌اید ولی باز جریان مبارزه توده‌ای ادامه دارد. هیچ سازمان دست‌چپی آنچنان قدرتی در میان توده‌های مردم ندارد که بتواند «ضربات بزرگ» در صورت «خیانت» به آن وارد کند. از این لحاظ توده‌های ما شانس بزرگی آورده‌اند. آنزمان که از «خیانت بزرگ» سران حزب توده سخن می‌گفتند، حزب توده، در سیاست مملکت وزنه‌ای تعیین‌کننده شده بود و توده‌های زیادی را گوش فرمان خود داشت، ولی امروز آنچنان نیست و حتی با وجود «ضعفهای» «وزنه‌ای» مانند سازمان شما نیز مردم کردستان مقاومت مسلحانه خود را انجام دادند بدون اینکه «آنارشیسیتها»ی مورد نظر شما آنجا باشند. ولی امروز هر زحمتکشی یک «آنارشیسیت» است و انعکاس همین تصور است که شما را وادار میکند از «خیانت بزرگ» و «ضربات بزرگ» ناشی از «آنارشیسیم» هشدار بدهید. برای مردم چه فرق میکند این دولت آنها را به گلوله ببندد یا دیگری. شما اندکی هم آنطرف را نصیحت کنید و بگوئید که کسی که به «بازماندگان رژیم سابق»، «طبقه سرمایه‌دار ایران»، «زمینداران بزرگ» و «فرماندهان امریکائی ارتش»، و «هزاران ساواکی» مجال قدرت نمائی میدهد و در بست و بندهای امپریالیسم در منطقه با آفشاهی‌ها، وزیر خارجه ترکیه، ملاقات میکند، با ضیاء‌الحق جلسات [برگزار میکند] ناخوانا؟.

نکته دیگر که این مقاله را بسیار به مقالات کمیته مرکزی حزب توده شبیه میکند اشارات بسیار خنک

مقاله به «حمایت» اردوگاه سوسیالیستی» از «جنبش ضدامپریالیستی دموکراتیک مردم ما» میباشد. مردم ما چگونه چنین دروغی را باور کنند؟ این «اردوگاه سوسیالیستی» تا شاه بود از شاه حمایت میکرد و دلیل آنهم واضح بود: منافع دولتهایشان. امروز هم از دولت کنونی حمایت میکند باز هم دلیل آن روشن است: منافع دولتهایشان. نه آن زمان به شاه اعتراض میکرد که چرا با «جنبش ضدامپریالیستی دموکراتیک مردم ما» چنین وحشیانه رفتار میکند و نه امروز به حکام جدید در این زمینه اعتراضی مینمایند. نه آزمون حاضر بود به سازمانهای انقلابی کشور ما کمک کند نه ظاهراً امروز. پس چرا سازمان این دروغ بزرگ را میگوید زیرا او همانطور که در فوق نشان دادیم منظور از «جنبش ضدامپریالیستی دموکراتیک مردم ما» در واقع همان «جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک مردم ما» نیست بلکه صرفاً همین دولت کنونی است و از قضا در این زمینه درست میگوید. «اردوگاه سوسیالیستی» از این حکومت «قاطعانه» حمایت میکند، البته نه «بی‌دریغ». حمایت این «اردوگاه سوسیالیستی» مجانی بدست نمیآید. این را حتی شاه هم میفهمید، ولی اگر وسائش فراهم شود «قاطعانه» است ولی این مانع از آن نخواهد بود که اگر خدای نکرده، دولت بختیار و نزیه هم بر سر کار آید باز مورد «حمایت بی‌دریغ و قاطعانه» «اردوگاه سوسیالیستی» قرار نگیرد. اینها را باید از هم‌اکنون به مردم گفت البته اگر خودشان ندانند. چرا باید به مردم گفت؟ برای آنکه بدانند در «جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک» باید بیش از هر چیز به خودشان اتکاء کنند. ولی البته وقتی آنچنان قدرتی گرفتند که بتوانند کشور خود را از چنگ امپریالیسم نجات دهند ممکنست «اردوگاه سوسیالیستی» هم «قاطعانه» ولی مسلماً نه «بی‌دریغ» از آنها حمایت کند.

حالا برگردیم و اندکی به ترمینولوژی نویسندگان «کار» بپردازیم تا شاید از این طریق که بیشتر به رشته زبان‌شناسی مربوط است بهتر از ادبیات سیاسی آنها سر در بیاوریم. چند ماهی است که می‌بینیم نویسندگان «کار» از اصطلاح «محافل جنگ‌افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه» برای ما سخن میگویند و چنان این اصطلاح را بکار میبرند که گوئی معنای آن روشنتر از آن است که احتیاج به توضیح داشته باشد. همه بگیر و ببندها و همه کشتارها بحساب همین «محافل» گذاشته میشود و آنچنانکه در این مقاله می‌بینیم آنها مدام مورد سرزنش نویسندگان «کار» قرار دارند ولی در عین حال هرگز فراموش نمی‌کنند که بلافاصله پس از این سرزنش از سر دلسوزی بدترین دشنامها را نثار «آناشیستها» کنند و از «بزرگترین خیانت» و «بزرگترین ضربات»ی که آنها به نهضت وارد میکنند هشدار بدهند. آن «محافل جنگ‌افروز»ند و این «آناشیستها» (که حالا دیگر همه میدانند منظور نویسندگان «کار» از «آناشیستها» همان جنبش انقلابی مردم ما میباشد) بهانه بدستشان میدهند.

فقط در اینجا معلوم نیست که این محافل بچه دلیل «سرکوبگر»ند؟ آیا ممکنست «هیئت حاکمه»ای در دنیا وجود داشته باشد که نه تنها «محافل»ی «در درون آن» بلکه یکسره تمام «محافل» آن «سرکوبگر» نباشند؟ مارکسیسم - لنینیسم در مورد دولت چه تعلیماتی میدهد؟ آیا معتقد است در درون هیئت حاکمه فقط «محافل» «سرکوبگر» هستند و یا هیئت حاکمه تماماً و بدلیل روشن منافع طبقاتی «سرکوبگر» است؟ نویسندگان «کار» سرکوب را به «محافل»ی در درون هیئت حاکمه نسبت میدهند و از اینهم پیشتر نمیروند و نمیگویند که کدام منافع طبقاتی اساس این سرکوب را تشکیل میدهد. کافیهست به این مسأله بپردازند تا ناگزیر شوند آشکارا دروغ بگویند و یا کلمه به کلمه همه حرفهای «آناشیستها» را تصدیق کنند و ما پائین‌تر خواهیم دید که نویسندگان «کار» ترجیح میدهند که دروغهای آشکار بگویند تا ناگزیر نشوند حرف

«آنارشیستها» را تصدیق کنند.

نویسندگان «کار» رابطه درستی بین «جنگ افروزی» و «سرکوب» «محافل جنگ افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه» و «آنارشیستها» برقرار میکنند. واقعیت تماماً همین است. بهانه اینها برای سرکوب همان مقابله مردم و مقاومت انقلابی آنهاست. اگر مردم دست از مبارزه بردارند، «اگر بجنگ آشکار و پنهان نپردازند»، «جنگ افروزان خلع سلاح میشوند و دیگر بهانه‌ای برای جنگ افروزی» در دستشان نیست و «تأسف» در این است که مردم وقتی خبر تأثر برانگیز «قه‌لاتان» منتشر میشود در سنج «رو به سنگرها» می‌آورند و باین ترتیب لجام‌گسیخته‌ترین «آنارشیسم» را از خود نشان میدهند و بهانه بدست «محافل جنگ افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه برای «جنگ افروزی» و «سرکوب» در سنج میدهند. می‌بینید چقدر جالب است. «مارکسیست - لنینیست»‌های ما، «کمونیست»‌های ما که مخالفان را «سوسیالیست تخیلی»، «اتوپیست»، و «احساساتی» میخوانند خود از دیدن مبارزه طبقاتی چه ناله‌ها سر میدهند و هر دو طرف را به باد ناسزا میگیرند. «اگر مردم سرکشی نکنند مسلماً دولتها هم درندگی نخواهند کرد». داستان قدیمی «نسخه پیمان اجتماعی». ولی واقعیت زنده تاریخ چیز دیگری را نشان میدهد و همین نویسندگان هم دیدند که در آن زمانی که توده‌های ملیونی به خیابانها نریخته بودند درندگی کمتر از اینها نبود و در کمال صرافت برای تشخیص خط یک جزوه دهها نفر را ماهها به شکنجه میکشیدند.

ولی بیائید بیشتر با این «محافل درون هیئت حاکمه» آشنا شویم. چه کسانی در میان آنها جنگ افروز و سرکوبگرند و چه کسانی جنگ افروز و سرکوبگر نیستند.

همین شماره ۵۹ «کار» را مآخذ بررسی خود قرار میدهیم، زیرا ظاهراً بین شماره‌های مختلف «کار» در این مورد توافق نظر نیست و در همین مقاله می‌بینیم که حساب خمینی از دیگران جداست و او «رهبری مبارزه با امپریالیسم آمریکا را همچنان در دست دارد» و باین ترتیب نویسندگان «کار» رضایت نخواهند داد که او و محافل نزدیک به او را جزو «جنگ افروزان» و «سرکوبگران» بحساب آوریم.

دیگر از کسانی که ظاهراً در «هیئت حاکمه» هستند ولی «جنگ افروز و سرکوبگر» نیستند، در مقاله «سخنان رئیس جمهور و تلاش ما...» در همین شماره «کار» بنی‌صدر را می‌یابیم که «... از امکان تحقق صلح‌آمیز مطالبات خلق کرد و ضرورت کوشش برای پایان دادن به جنگ کردستان سخن گفت...» البته به بنی‌صدر این ایراد گرفته میشود که ایشان «در بسیاری موارد تسلیم جنگ‌طلبان شده اند.» ولی همین انتقاد نشان میدهد که نویسندگان «کار» ایشان و محافل نزدیک به ایشان را جزو «جنگ افروزان» بحساب نمی‌آورند.

در همین مقاله از داریوش فروهر بعنوان کسی یاد شده است که انتخابش برای مذاکرات صلح کردستان گام‌های مثبتی محسوب میشود. ما برای اینکه بحثمان لااقل ظاهر جدی خود را از دست ندهد، اجازه می‌خواهیم داریوش فروهر را جزو محافل درون هیئت حاکمه مورد بررسی قرار ندهیم تا مجبور شویم به اعمال سرکوبگرانه او در زمینه ایجاد «نیروی ویژه در کارخانه‌ها» و مدیحه‌سرایی‌های وی برای بقول نویسندگان «کار» «فرماندهان امریکائی ارتش» و ارتش ضد خلقی اشاره کنیم و باین ترتیب ماهیت «مذاکرات» صلح در کردستان را مورد تردید قرار دهیم. نه!

ما همین «آیت‌الله خمینی» و همین رئیس جمهور را بعنوان محافل «صلح» طلب در درون هیئت حاکمه می‌پذیریم و فرض می‌گیریم که با گوش خود از صدای جمهوری اسلامی از زبان خود «آیت‌الله خمینی»

نشیندیم که هرگونه مذاکرات صلح در کردستان را ممنوع کرد و باز فرض میگیریم که از زبان همین رئیس جمهور سخزانی معروف «پوتین‌ها را بیرون نیاورید» را نشنیده‌ایم و فرض میکنیم که این دو دسته شبانه‌روز در کار برقراری «صلح» فعالند. ما «هوا» شناسی نویسندگان «کار» را کاملاً میپذیریم و فرض میکنیم که کاملاً با واقعیت تطبیق دارد. «جنگ‌افروزان» چه کسانی هستند؟ پاسخش را در «کار» می‌یابیم. اخیراً (تا چند شماره قبل اندکی فرق داشت): «شورای انقلاب»، «حزب جمهوری اسلامی»، «فرماندهان امریکائی ارتش» و بطورکلی «ارتش ضدخلقی»، «بعضی از فرماندهان سپاه پاسداران» اینها همه «جنگ‌افروز»ند. حالا [این مجموعه] از یک دولت چه چیز را کم دارد؟ شورای انقلاب در عین حال هم قوه مقننه و هم مجریه است. «حزب جمهوری اسلامی» تقریباً تمام دادگاهها و کمیته‌ها را در اختیار خود دارد و با تسلط خود در شورای انقلاب و حوزه علمیه قم سایر ارگانها را نیز زیر نفوذ خود میگیرد. از همه اینها مهمتر «ارتش ضدخلقی» نیز در آن سمت قرار دارد. از کتاب دولت و انقلاب لنین پرسید که آیا «دولت» غیر از اینهاست و تازه آیا ابزار اصلی «دولت» همین ارتش نیست؟ با وجود این اهرمها در دست «جنگ‌افروزان» از «صلح» طلبان خیالی شما اگر بفرض محال در واقعیت هم وجود میداشتند چه کاری ساخته بود؟ چگونه مارکسیسم آنچنان مبتذل شده است که «مارکسیست‌هایی که از «ارتش ضدخلقی» سخن میگویند بخوانندگان خود اطمینان میدهند که این دولت «همچنانکه بارها اعلام نموده‌ایم حکومتی وابسته نبوده و نیست». مگر حکومت جز بوسیله نیروی مسلح نیز ممکن است؟ مگر ممکنست که «حاکمیتی خلقی» بر ارتشی «ضدخلقی» متکی باشد؟ آیا مارکسیسم - لنینیسم به این فرصت طلبی نمیخندد؟

اما آن دغدغهای که همه این سخنان را باعث شده چیست؟

در سرمقاله «کار» ۵۹ می‌بینیم که این نگرانی آنست که مبادا یک روز صبح که مردم از خواب برمیخیزند یک ژنرال را در رأس حکومت خود ببینند و یا متوجه شوند که بختیار برگشته و به کمک ارتش نخست‌وزیر شده و یا حتی بدتر از همه شاه برگشته باشد. این نگرانی کاملاً بجاست و «آنارشپیستها» هم از همان اول گفته‌اند که احتمال همه چیز می‌رود و همینها که امروز تازه نگران شده‌اند، به اولین سند «آنارشپیستی» که این مسأله را مطرح کرد تا توانستند خندیدند و چه بسا تا وقتی که خبر پیاده شدن تفنگداران امریکائی را در طبس شنیدند هنوز به حرف آن «آنارشپیستی» که مدتها پیش گفته بود که حتی ممکن است امپریالیستها تفنگدار در ایران پیاده کنند مشغول خندیدن بودند. این دغدغه را حکام جدید هم دارند. چرا وقتی بختیار یا اویسی در جایی مصاحبه میکند در میان «محافل درون حاکمیت» چنین حساسیت شدیدی را برمی‌انگیزد؟ چرا بنی‌صدر نگران خطر «راست» است؟ چرا روزی‌نامه‌ها و دستگاههای تبلیغاتی رژیم مدام مثال مضحک شیلی را تکرار میکنند. قد خود را با آینده اندازه میگیرند و تفاوت مسلکیشان را نیز در این یک مورد خاص ندیده میگیرند. برای آنکه آنها هم میدانند شاید بهتر از هر «آنارشپیستی» هم میدانند که خطر اینکه شب بخوابیم و صبح اسیر پینوشه باشیم وجود دارد. در این مورد هم «آنارشپیستها»، هم نویسندگان «کار» و هم حکام کنونی هر سه احساس مشترکی دارند ولی یک مورد دیگر هست که گویا فقط «آنارشپیستها» آنرا احساس میکنند و آن عبارتست از اعمال و گفتار حکام جدید. وقتی سردمداران این حکومت از مصاحبه بختیار نگران شدند و نویسندگان «کار» واکنش نشان میدهند و «آنارشپیستها» به روی آن تأکید میکنند برای چیست؟ برای اینکه بختیار خطری است که هرسه اینها را تهدید میکند ولی وقتیکه فخرالدین حجازی وکیل اول تهران (که اگر هیچکس نداند نویسندگان «کار» که یکسال در عرصه مبارزات

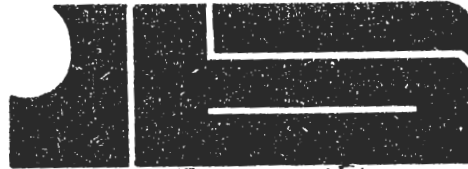
پارلمانی مشغول «آبدیده» کردن خود بوده‌اند، بخوبی میدانند که تا چه حد باید به هیئت حاکمه موجود وابسته باشد تا وکیل اول تهران شود) عربده می‌کشد و از یورش دو هفته‌ای و نابود کردن «ضدانقلاب» (کسی نیست که امروز معنای این اصطلاح را در قاموس حکام جدید نداند) در عرض ۲ هفته در سراسر ایران و گماشتن «عیاران» در هر کوی و برزن برای آنکه «ضدانقلاب» نتواند «تکان» بخورد سخن می‌گوید، ظاهراً فقط «آنارشیستها» هستند که واکنش نشان می‌دهند.

فعلاً این مطلب را همین جا رها کنیم و برگردیم به وجه مشترک و ببینیم که چرا مثلاً خطر بختیار یا روی کار آمدن یک ژنرال نوکر آمریکا هم رژیم کنونی را تهدید میکند هم انقلاب ایران را. در تبلیغات هیئت حاکمه کنونی مسأله بسیار ساده و عوام فهم پاسخ داده میشود و روزی هزار بار تکرار می‌کنند که چون ما ضدامپریالیست هستیم طبیعی است که امپریالیستها چشم دیدن ما را ندارند. چون ما «وابسته» نیستیم طبیعی است که پیوسته از طرف وابستگان به امپریالیسم مورد تهدید قرار گیریم. چون ما سرسخت هستیم امپریالیسم تاب تحمل حکومت ما را ندارد. نویسندگان «کار» نیز همین تحلیل را می‌پذیرند و اگر کسی زیاد پافشاری کند حتی به او خواهند گفت که جرج حبش هم سفارش رژیم کنونی را به ما کرده (کار شماره ؟) و او هم اینرا فهمیده که امپریالیسم برای رژیم کنونی نقشه میکشد. اتفاقاً «آنارشیستها» هم این عقیده را دارند که رژیم کنونی از طرف امپریالیسم تهدید میشود ولی اجازه نمیدهند که آنها را با منطق متافیزیکی بفرینند. «آنارشیستها» میدانند که اگر این رژیم «وابسته» میبود خطر اینکه شب بخوابیم و صبح یک ژنرال تمام اعضای هیئت حاکمه موجود را سر به نیست کرده باشد وجود نمیداشت. «آنارشیستها» میدانند که امپریالیسم فقط در کشوری قادر است دست به چنین مانورهای بزند و چنین باصلاح کودتاهائی بکند که تماماً به وی وابسته هستند. آیا مردم هانوی این نگرانی را دارند که شب بخوابند و صبح که برمیخیزند یک ژنرال نوکر آمریکا را بر مسند امور ببینند؟ نه! آنها چنین تصویری ندارند. در آنجا اگر گردش برآست هم صورت بگیرد از طریق مسیر طبیعی یک مبارزه طبقاتی در داخل کشور صورت میگیرد. چرا؟ برای اینکه حکومت آن «حکومتی وابسته» نبوده و نیست، ولی بیائید تا به کشورهای آمریکای لاتین برویم. مرکز ترکتازی امپریالیسم آمریکا و حکومتهای تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسم. چند ده کودتای امپریالیستی را میتوانیم بشماریم؟ یک کودتای امپریالیستی ژنرالی سر کار میآورد و سه ماه بعد یک کودتای امپریالیستی دیگر او را از سر کار برمیدارد. آیا این ژنرال نیز میتواند با همین استدلال عدم وابستگی حکومت خود را ثابت کند؟ کافیت یک اعتصاب صورت بگیرد یا یک تظاهرات دانشجویی انجام شود تا یک کودتای امپریالیستی جدید دستاورد کودتای امپریالیستی قبلی را بکناری بزند. از اینجا باید به وابستگی پی برد یا به استقلال؟

اگر حکومت کنونی قدرتش بر نیروی مسلح خلق قرار داشت نیز باز خطر کودتای یک ژنرال ما را تهدید میکرد؟ ولی این چیزها را دیگر گویا فقط «آنارشیستها» می‌فهمند. فقط «آنارشیستها» هستند که می‌فهمند بختیار و اوپسی و فخرالدین حجازی هر سه برای درهم شکستن انقلاب و یا بقول فخرالدین حجازی «ضدانقلاب» در سراسر ایران روی یک ابزار واحد حساب میکنند و آنهم ارتش کنونی است. وقتی دولتی اساس کار خود را روی ارتشی قرار داد که حتی دارندگان خط مشی «اصولی» نظیر نویسندگان «کار» نیز آنرا «ضدخلفی» میدانند آنگاه بواقع باید با توصیه و پارتنری بازی آنرا به توده‌ها مستقل معرفی کرد. دیگر جای تحلیل نیست. جای مرگ من و مرگ تو نیست.

عدم وابستگی یک حکومت را لازم نیست با ذره‌بین جستجو کنیم. یک حکومت غیروابسته چنان نیروی عظیمی از خلق را با خود دارد که هیچ احتیاجی ندارد برای بقای او روزنامه «کار» به توده‌ها سفارش کند. برای عرض اندام «آنارشئیستها» هم هیچ جایی باقی نمیگذاشت. اگر اکنون پس از یک سال و نیم روزهای «سرنوشت‌ساز»ی در پیش داریم بخاطر آنست که وابستگی کشور ما به امپریالیسم نه تنها در این مدت کم نشده بلکه بقول خود حکام جدید افزایش هم یافته است. تنها در اینجا نویسندگان «کار» یک زرنگی میکنند و آن اینست که برای تسویه حسابهای شخصی می‌خواهند «خون عروس مردنی را گردن مادرشوهر» بیندازند.

ضمیمہ



سخنان رهبر جمهورو

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

آنچه که در هفته گذشته جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت در باره بهران کردستان بر زبان راندند، مدو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد.

۲ صفحه

اعدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

”باید بدانند ما شه را به خاطر چه
و به سوی چه کسانی می چکانند!“

از آغاز جنگ خونین اخیر بهمیچ قیمت دست خود را به در کردستان، ارتش دچار خون زحمتکشان میهنشان تب و تاب و جوش کم بیالایند، پادگان ها را به سابقای است سربازان، عرصه فعالیت ترقیخواهان و درجه داران و افسران جز آفاگرانه خود بدل انقلابی که حاضر نیستند بقیه در صفحه ۱۶

برای مقابله با امپریالیسم امریکا اتحاد همه زحمتکشان یک ضرورت قاریخی است

امروز میهن ما یکی از پراهمیت ترین سنگهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی است. مبارزه شورانگیز مردم ما تاکنون به پیروزیهای چشمگیری دست یافته است. این مبارزه اینک از مرزهای ایران گذشته و در ابعادی جهانی توجه صدها میلیون زحمتکش در بند جهان سرمایه داری و توجه همه نیروهای مترقی جهان را به خود جلب کرده است. این مبارزه امروز تاروپود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را به لرزه در آورده است. پیروزی یا شکست مبارزات مردم ما تأثیری عظیم بر مبارزه پرولتاریای جهانی، خلق های زیر سلطه جهان و کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی و دولت های دست نشانده آن دارد و هم از این رو است که زحمتکشان جهان، احزاب و سازمان های ترقیخواه جهان اردوگاه سوسیالیستی از جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ما بی دریغ و قاطعانه حمایت می کنند و عمیقاً نگران سرنوشت آن هستند و باز از همین رو است که همه دولت های امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی و دست نشانده جهان در پشت سر امپریالیسم امریکا و علیه مردم ما صف آرای گردمانند.

وقتی به اهمیت این مبارزه سرنوشت ساز، به پیوند عمیق آن با مبارزه پرولتاریای جهانی و نیروهای ترقیخواه علیه سرمایه داری جهانی و به تأثیری که هرگام از پیروزی و یا شکست آن بر سرنوشت صدها میلیون زحمتکش ایران و جهان دارد بیاندیشیم، بیش از پیش به اهمیت سیاست های درست و حرکات و موضعگیری های اصولی نیروهای ترقیخواه میهنمان بی می بریم و بیش از پیش درمی یابیم که هراشتباه نیروهای ترقیخواه سیاسی که بر پیگر این جنبش خراش وارد می کند، چه ابعاد خیانت آمیزی به خود می گیرد و بر عکس هر تلاشی که این جنبش را گامی به جلو راند و این سنگ مبارزه را متحد و استوارتر سازد چه خدمتی عظیم در راه آرمان پرولتاریای ایران و جهان و خلق های ستمدیده ایران و جهان به حساب می آید. وقتی عمیقاً به این واقعیت ها توجه می کنیم سنگینی، حساسیت و عظمت مسئولیتی که تاریخ بر دوش فرد فرد عناصر آگاه و مبارز جنبش کمونیستی ایران گذاشته است، بقیه در صفحه ۲

تکثیر از سازمان دانشجویی ایران

نودمین سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد!



مرگ برتر از بردگی است
در سراسر وطنم
باردیگر پرچم های سرخ در اهتزازند
و درست در این لحظه
باید در درون زندان به سر برم
گی از زندان رها خواهم شد
تا نقش خود را در جنگ برعهده گیرم
از یادداشت های زندان -
رفیق هوشی مین

نودمین زادروز رفیق هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام، انترناسیونالیست و میهن پرست انقلابی گرامی باد. یاد رفیق هو و مبارزاتش همواره الهام بخش مبارزات طبقه کارگر و خلق های سراسر جهان خواهد بود.

در این شماره:

یادداشتی از سرپروژه کردستان
• مردم کران مرکز بودند، خبر تا ارتکب "۱۳۵۹" پای هم ملوم کرد
• هیچک از جوانان به آسانی دست از سر خلقی خود بر نخواهند داشت.
آنجا که شورا های واقعی کارگری برار خاله حاکم است
کارگران باید با افزایش تولید و بهره وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند
گرانی از ارتکب:
مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

چه کسانی
به جای صلح، جنگ را دامن می زنند؟
یازدهمین اجلاس
"اتحادیه سراسری روسانی ترکمن صحرا"
باموقفیت به کار خود پایان داد
در صفحه ۲
گرایشات آنارشویستی
و سندیکالیستی "بیگان"
در صفحه ۱۰

نقش اوپک در مبارزه علیه امپریالیسم!

اخیرا کنفرانس اوپک در طائف یکی از شهرهای عربستان سعودی برگزار شد. عربستان سعودی با جمعیتی نزدیک به ۹ میلیون نفر بزرگترین صادر کننده نفت در کشورهای عضو اوپک است. کشورهای امپریالیستی با همکاری رژیم حاکم بر عربستان سعودی با جمعیتی نزدیک به ۹ میلیون نفر بقیه در صفحه ۲

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

سخنان رئیس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاجه اندازه برای پیشرفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه "چک تصمیمی" را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاجه اندازه برای پیشرفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه "چک تصمیمی" را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال

این حقیقت که بحران کردستان با راه حل های نظامی نمی تواند خاتمه یابد در عین حال از آموزش های بزرگ تاریخی نیز ناشی می شود. خلق کرده اموز مشکل سازمان یافته است و بر حقوقی که سالیها متنادی پیوسته در آن مبارزه کرده است آگاهی و ایمان کامل دارد.

جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت درباره بحران کردستان بر زبان راندند دو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد. در کنار نیروهایی که آشکارا از جنگ و ادامه جنگ در کردستان سخن گفتند، رئیس جمهور، ضمن تأکیدهایی که بر اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با کسانی که این حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار داده اند کرده از امکان تحقق صلح آمیز مطالبات خلق کرد و ضرورت کوشش برای پایان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و تأکید کرد که امکان حل صلح آمیز بحران کردستان وجود ندارد و باید از چنین امکانی بیشترین بهره گیری را کرد. رئیس جمهور با انتخاب داریوش فروهر برای مذاکرات صلح کردستان گام عملی مثبتی به جلو برداشت. به گمان ما، این بخش از مواضع رئیس جمهور از جانب همه آن کسانی که قادرند بحران کردستان را در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا مورد بررسی قرار دهند نمی تواند مورد استقبال قرار نگیرد.

برای مقابله با امپریالیسم

عمیقا احساس می کنیم. امروز از سوی مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا در ابعاد وسیع جریان دارد و خلق ما در این مبارزه دشوار از حمایت همه نیروهای ترقیخواه جهان برخوردار است و از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا با تکلیف بر طبقه سرمایه دار ایران و به یک آیدای خود و شبکه های جاسوسی خویش که حتی الامکان تقویت کرده است همه نیرو و تجربه خویش را برای دلسرد کردن و سرخورده ساختن زحمتکشان ما از مبارزه، جلوگیری از اتحاد عمل اقشار و طبقات خلق ما، ایجاد جو بدبینی و خشونت میان مردم و صانعت از اتحاد عمل و هماهنگی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست و خلاصه به هدر رفتن انرژی انقلابی میلیون ها زحمتکش به پا خاسته ایران به کار گرفته است.

دست نشانده خود را در ایران بر سر کار آورده و بدین ترتیب جنبش ضد امپریالیستی خلق های مختلف را با خطر جدی روبرو ساخته و سرکوب کند. با این چشم انداز است که اوضاع و شرایط کنونی میسرمان را بسیار حساس می بینیم. روزهای سرنوشت ساز در پیش داریم. روزهایی که هر نیروی ترقیخواه و ضد امپریالیست و هر کسی که قلبش برای استقلال و آزادی ایران می تپد باید با احساس مسئولیت کامل و به دور از هرگونه ناشکیبایی و داوری های عجولانه به استقبال آن برود و اگر نه می تواند اشتباهاتی مرتکب شود که تاریخ از آن به عنوان خیانت یاد خواهد کرد. با این چشم انداز می بینیم که بیش از هر زمان دیگر باید همه سلاجه و قلمها به سوی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن نشانه رود و باید کاری کنیم که چنین شود.

بقیه از صفحه ۱

در این راه امپریالیسم آمریکا می کوشد با تحریم اقتصادی علیه مردم ایران به گرائی مایحتاج زحمتکشان دامن زند، دامنه بیکاری را افزایش دهد و این توهم را در بخش هایی از مردم که هنوز به آگاهی کافی نرسیده اند، ایجاد کند که گویا رژیم سرسپرده و اختیار می نویسد شرایطی بهتر از امروز برای مردم فراهم سازد و در همین حال با تبلیغات گسترده خویش از رادیوها و مطبوعات رسمی و غیر رسمی خوشی از بلندگوهای دولتی های ارتجاعی از یک طرف و تلاش دارد زمینه های اقدامات نظامی را در ایران فراهم سازد و از طرف دیگر روحیه بازماندگان رژیم سابق، طبقه سرمایه دار ایران، زمینداران بزرگ و فرماندهان امپریالیستی ارتش و هزاران ساواکی را تقویت کند و با بهره برداری از سیاست های نادرست دولت و حرکات سرکوبگرانه آن و تاراجی رو به افزایش مردم، زمینه را برای نیرو گرفتن و به قدرت رساندن محافل راسته به خود هموار سازد.

امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن بیش از هر زمان دیگر بر آن شده اند که به هر قیمتی شده مبارزه طبقاتی مردم ما را علیه امپریالیسم به مبارزه میان صفوف مردم بدل کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکشی و جدت خلقها و زحمتکشان ایران را خندشان سازند. امپریالیسم جهانی می کوشد مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری و مبارزه دهقانان زحمتکش را علیه زمینداری بزرگ به مبارزه میان خلقها، مبارزه میان نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست مبدل سازد و تا آنجا که می تواند در صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست شگاف ایجاد کند. و این در حالی است که محافل جنگ افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه که فاقد هرگونه تجربه سیاسی بوده و بخاطر اعمال و حرکات ضد مردمی و خشونت بار خود تاکنون میلیون ها تن را درمی راند که در جریان سرنگونی شاه فعالانه در مبارزه داشتند منفعل ساخته و یا به طرفداری از جبهه لیبرالها واداشته است، هنوز به اعمال جنگ افروزانه و ضد مردمی که خود را می دهند و درست در برابر این حادفکرانجات انحراف به چپ جنبش کمونیستی و لیبرالها روبرو بیشتر به اعمال آتاریستی و شعارهای سرنگونی کشنده می شوند و ناگفته پیداست که این دو پیوسته بر هم تاثیر می گذارند و هر یک زمینه و بستر حرکات مخرب دیگری را فراهم می کند و اگر وضع بدین منوال پیش رود صفوف ضد امپریالیستی توده ها چنان تضعیف می شود و تشنج و درگیری و خشونت میان مردم چنان بالایی گیرد که نتیجه اجتناب ناپذیر آن قدرت گرفتن جبهه ضد انقلاب و به قدرت رسیدن حکومت دست نشانده امپریالیسم آمریکاست.

ما رئیس جمهور را به این واقعیت توجه می دهیم که تلاش برای سرکوب نظامی خلق کرد و سازمان های سیاسی رهبری کننده آن چیزی جز آسیب رساندن جدی به هدفها و آرمان های مردم ما نیست و فکر می کنیم که رئیس جمهور به آن اندازه از تجربه تاریخی و آگاهی سیاسی و برخورداری است که این راه درک کند که بحران کردستان به هیچ رو از راه نظامی حل نخواهد شد بلکه اقدامات نظامی صرفا به گسترش جنگ برادرکشی دامن خواهد زد و ابیادی فاجعه آمیزتر از پیش

امپریالیسم آمریکا، به ویژه پس از ملاقات بازرگان با بروینسکی که خشم انقلابی توده ها، تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سقوط دولت بازرگان را در پی داشت و نیز پس از تحولات ماههای اخیر و سرخسج نیروهای ترقیخواه و انقلابی، دانشجویان پیرو خط امام" و شخص آیت الله خمینی به این نتیجه رسیده است که تنها با سرنگونی حکومت کمونی و روی کار آوردن عناصری مثل بختیار و نژیبه و امثالهم و با به قدرت رساندن فرماندهان نظامی، می تواند سیاست های خود را در ایران دنبال کند و هدف خود را که به شکست کشاندن و سرکوب جنبش خلق ما است به پیش برد. امروز گام آشکار است که تلاش امپریالیسم آمریکا برای تحویل یک سیاست مریو توسط مهرهای خود نیز درون حاکمیت با شکست روبرو شده است. از این رو در شرایط کنونی جهت گیری عمده امپریالیست اعمال فشارهایی از بیرون است. از همین روست که ما امروز شاهد آنیم که از یک سو عناصری از محافل سرمایه داران لیبرال امثال بختیار و نژیبه با حمایت همه جانبه امپریالیسم جهانی و به پاری شبکه های وسیع تبلیغاتی امپریالیست دست به تبلیغاتی گسترده علیه حکومت کمونی زده و تلاش دارند میلیون ها مردمی را که در نتیجه افزایش گرانی و بیکاری و عدم تحقق بسیاری از خواست های دموکراتیک توده ها و خشونت های خونبار حکومت از حمایت آن سرباز می زنند، به سوی خود جلب کنند و از سوی دیگر با تمرکز تفککداران درباری خود در خلیج فارس و با پاکبانهی نظامی پاکستان عمان و عربستان سعودی و با سازماندهی هواداران رژیم شاه در مصر و اسرائیل و عراق و ارسال و توزیع سلاح در میان فئودالها و خوانین مرتجع مناطق جنوبی و مرکزی کشور در فرسی، سانس و به تک فرماندهان ارتش حکومت

ما رئیس جمهور را به این واقعیت توجه می دهیم که تلاش برای سرکوب نظامی خلق کرد و سازمان های سیاسی رهبری کننده آن چیزی جز آسیب رساندن جدی به هدفها و آرمان های مردم ما نیست و فکر می کنیم که رئیس جمهور به آن اندازه از تجربه تاریخی و آگاهی سیاسی و برخورداری است که این راه درک کند که بحران کردستان به هیچ رو از راه نظامی حل نخواهد شد بلکه اقدامات نظامی صرفا به گسترش جنگ برادرکشی دامن خواهد زد و ابیادی فاجعه آمیزتر از پیش

رئیس جمهور بازم حاضر شد تا ملین فاجعه
تزویر رهبران خلق ترکمن را به مردم معرفی کند

با اینکه آقای رئیس جمهور در مناظره تلویزیونی به مردم قول داده بود جنایتکارانی که رهبران خلق ترکمن را در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رسانده اند معرفی و مجازات کند، اما تا کنون هیچ گامی در این جهت برداشته است.

آخرین رئیس جمهور در روزنامه انقلاب اسلامی چنین نوشته است: "روشن رئیس جمهوری بر قاطعیت است. استوار ایستاده است تا حاکمیت دولت (یعنان بنی صدر) درهمه جا برقرار شود. هیچ چیز را از یاد نمی برد. همانطور که در برابر این گروه می ایستد، در برابر کسانی هم که خود را هوادار جمهوری اسلامی می دانند اما خودسری می کنند، می ایستد. به این گروه نیز هشدار می دهد که هنوز از یاد نبرده است که ۳ نفر کشته بدون آنکه سرگشته بشوند، از بین برده شدند و هرقوت باشد علان این کار را بد می کند و به مجازات می رساند. (انقلاب اسلامی - ۲۳ اردیبهشت).

ما باز دیگر تأکید می کنیم که بدون معرفی و مجازات این جنایتکاران، این فاجعه بازم اتفاق خواهد افتاد. آقای رئیس جمهور اگر واقعا خواستار آزادی، عدالت، مساومت از اعمال جنایتکارانه باندهای سپاه است، باید عاملین این جنایات را که برای رئیس جمهور کاملا شناخته شده هستند، به مردم ایران معرفی کند.

بر این اساس ما مصمم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم و از تلاشهای صلح طلبانه ای که در برخی محافل حکومت دیده می شود استقبال می کنیم. ما موظفیم عناصر جنگ افروز را که محافل جنگ افروز حکومت و چه آنها که با چپ رویها و حرکات آتاریستی خود بزرگترین خیانتها را به جنبش ضد امپریالیستی خلق ما روا می دارند و زمینه رشد گرایشات ضد دموکراتیک و جنگ افروزانه جناحهایی از حکومت را فراهم می کنند و ابیادینسان جنگ ضد امپریالیستی مردم را به جنگ میان مردم تبدیل می کنند، افشا کنیم، ما مصمم با توجه به مسئولیت عظیم سازمان با حرکات آتاریستی و شعارهای سرنگونی به ویژه حرکات چپ زبانه ای که توسط آتاریست ها در میان طبقه کارگر مینما ما دامن زده می شود به گونه ای هماهنگه مبارزه کنیم. ما باید کاری کنیم که جنایتکارانی که دستور کشتار دانشمویان زندانی را می دهند، باندهای سپاه را رهبری می کنند و امروز طبقه کارگر را به بندازند، بتوانند مبارزات درخشان خلق ما را به انحراف کنند و بگماندازند قدرت باشند و نهدیروها و عناصری که باحرکات چپ روانه خود عمل در کنار ما می آیند، قرار گرفته و بزرگترین ضربات را به جنبش مینما ما وارد می سازند، بتوانند جنبش را به انحراف کنند، امروز طبقه کارگر را به انحراف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در این راه بکوشند و با قاطعیت و ایمانی استوار به میان مردم بروند و آنان را از حقایق آگاه سازند و طریق دوستی را که باید در پیش گیریم، تبلیغ و ترویج نمایند.



به جرم داشتن عقاید سیاسی معلمان را اخراج می‌کنند!

اخیرا در وزارت آموزش و پرورش، برای سرکوب دبیران آموزش و پرورش دست می‌زنند. این شیوه سرکوب که نشانه ورشکستگی ایدئولوژیک و اخلاقی طراحان آن است، بدون تردید با اعتراضات وسیع مردم، معلمان و دانش آموزان روبرو خواهد شد و شکست و رسوائی حتمی طراحان آن را به دنبال خواهد داشت در زیر نامه یکی از دبیران آموزش و پرورش را به وزیر آموزش و پرورش که در اعتراض به اخراج خود نوشته است، می‌خوانید

جناب آقای رجایی وزیر آموزش و پرورش ایران
احتراما، در تاریخ دوم اردیبهشت ماه جاری از طرف اداره کل آموزش عشایرنامه‌های کوتاه با امضای آقای مومنی مدیر کل آموزش عشایر به دستم رسید که مضمونش چنین است "آقای اشکوس چنین طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران طبق دستور تلفنی آقای کثیرالثی معاون وزارت آموزش و پرورش از این تاریخ هیچ سمتی در آموزش و پرورش ندارید. ۱۳۱۳؟ خبلی جالب و بحث‌انگیز است! برای هر انسانی این سؤال مطرح می‌شود: ۱- مگر کارمندان و فرهنگیان آموزش و پرورش تلفنی استخدام شده‌اند که باید تلفنی برکنار شوند؟ ۲- مگر می‌شود در جمهوری اسلامی که خودش را طرفدار قانون الهی و انسانی می‌داند بدون محاکمه، بدون دلیل، به صورت شاهنشاهی کارمندان را و معلمان را عزل و نصب کرد؟

زندانی می‌انداختند و شکنجه می‌کردند؟
۵- من ۱۷ سال در بدترین شرایط در ایلات و روستاهای فارس معلم بودم بر علیه رژیم شاهنشاهی جنگیده‌ام - زندان رفتم شکنجه شده‌ام و اکنون هم با عوامل خان و عوامل ساواک در سیزدهم آتیا شما چنین افرادی را نمی‌توانید تحمل کنید؟ من چنین نامهای خصوصیت‌آمیز را توهین به مقام معلم می‌دانم و علیه مومنی مدیر کل آموزش عشایر و کثیرالثی معاون وزارت اعلام جرم می‌کنم وزارت آموزش و پرورش و سایر مسئولین قضائی موظفند در قبال این مسئله پاسخگوئی تصمیمات خود در برابر مردم عشایر - فرهنگیان و دانش آموزان و دانشجویان باشند.

رونوشت به نشریه "کار"

بسمه تعالی
آقای اشکوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران اداره کل آموزش عشایر؛
به موجب دستور تلفنی بامداد روز ۳۰ فروردین ۵۹ جناب آقای کثیرالثی معاونت محترم وزارت آموزش و پرورش هیچگونه سمتی در وزارت آموزش و پرورش ندارید.
خلیل مومنی
مدیرکل آموزش عشایر

نقش اوپک در مبارزه با...

بقیة صفحه ۱

می‌توان در تصمیم‌گیری کشورهای اروپای غربی و ژاپن در مورد تحریم اقتصادی ایران و یا تحریم مبادلات تجاری با شوروی به خوبی مشاهده نمود.

در کنفرانس اخیر اوپک در طائف، جناح مترقی و ضد امپریالیست توانست نسبتاً حدودی نظریات خود را پیش برد و برای بررسی همه‌جانبه‌تر مسائل نفت پیشنهاد شد که وزیران خارجه کشورهای امپریالیستی و نفت و دارایی کشورهای اوپک برای بررسی روابط "کشورهای تولیدکننده نفت" و "مصرف‌کنندگان عمده صنعتی" کنفرانسی تشکیل دهند. همچنین تصویب شد که برای قیمت‌گذاری نفت خام اوپک با توجه به تورم و تغییر ارزش‌ها و میزان رشد مبارزات ضد امپریالیستی سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی سیستمی تعیین شود یکی از مهمترین تصمیمات کنفرانس اوپک در طائف چنین بود که هیچ یک از کشورهای عضو اوپک میزان تولید خود را برای جبران کاهش تولید نفت ایران افزایش ندهند.

تصمیم دیگر اوپک به نقل از مصاحبه مین‌فر وزیر نفت (اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۵۹) در مورد پیوند دادن قیمت گاز صادراتی کشورهای عربی اوپک یا بهای نفت خام بود. طبق این تصمیم افزایش آتی قیمت گاز تابع افزایش قیمت نفت می‌گردد. کنفرانس مشترک ایران - الجزایر - لیبی برای ایجاد جنبه مشترک در سیاست‌های صادراتی نفت در تضعیف کشورهای نظیر عربستان سعودی بی‌تاثیر نبوده است و اقدامی در جهت مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اتحاد عمل این کشورها در گام‌های نخست خود سبب افزایش قیمت گاز صادراتی الجزایر شد. این اتحاد عمل در کنفرانس طائف اثرات خود را در افزایش قیمت‌های نفت و گاز و کاهش تولید و صادرات نفت خام برجای گذاشت. و همچنین کوششی در جهت قیمت‌گذاری واقعی نفت بود.

عربستان سعودی روزانه نزدیک به ۹/۵ میلیون بشکه نفت خام مردم عربستان را چپاول می‌کنند و اکثریت مردم عربستان در ابتدائی‌ترین شرایط زندگی به سر می‌برند. سیاست نفتی رژیم حاکم بر عربستان سعودی به عنوان اهرمی علیه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست عضو اوپک بکار می‌رود. رژیم حاکم بر عربستان سعودی سیاست دیکته شده توسط انحصارات امپریالیستی را مو به مو اجرا می‌کنند. نقش دولت عربستان و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم در اوپک، در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی با بحران انرژی و مشکلات اقتصادی دست به گریبان است، بیش از هر زمان متوجه سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اکنون کمبود و گرانی منابع انرژی و به ویژه نفت به شکل حادی بروز کرده است و مستقیماً در مجموع سیستم تولیدی امپریالیسم تاثیر می‌گذارد و در جهت تشدید بحران کشورهای امپریالیستی عمل می‌کند.

مبارزه ضد امپریالیستی رو به گسترش خلق‌های سراسر جهان مواضع کشورهای مترقی و ضد امپریالیست در اوپک را تقویت نموده و اکنون جناح نیرومندی را در اوپک تشکیل داده است. تا جایی که دیگر سیاست انحصارات امپریالیستی که از طریق کشورهای نظیر عربستان سعودی بر اوپک اعمال می‌شد نمی‌تواند بطور یکجانبه به پیش رود.

وابستگی مطلق کشورهای امپریالیستی به ویژه اروپای غربی و ژاپن به نفت صادراتی کشورهای اوپک و رشد مبارزه ضد امپریالیستی در کشورهای عضو اوپک، که قیمت نفت صادراتی خود را در کاهش تولید و افزایش قیمت نفت صادراتی خود را نشان می‌دهد بحران انرژی را عمیق‌تر کرده است. بحران انرژی در شرایط کنونی بیش از هر زمانی سبب تشدید تضادهای امپریالیستی شده است. و ابعاد این تضاد را

تجاوز به حقوق دهقانان زحمتکش "پسرلوانگوت"

اردبیل

لیکن هیچ نتیجه‌ای از این شکایات عایدشان نشده است. مسئولین زاندارمری و پاسداران منطقه از همان ابتدا جانب غاصبین زمین را گرفته‌اند و به شکایات روستائیان هیچ ترتیب اثری نداده‌اند.

روستائیان مرفه این زمینها را غصب کرده و کاشته‌اند. زحمتکشان روستا برای جلوگیری از تجاوزات آنها، تاکنون بارها بطور دسته‌جمعی به "گرمی" و "تازه‌کنند" رفته و به زاندارمری و سپاه پاسداران شکایت برده‌اند.

"پسرلوانگوت" از روستاهای شهر اردبیل است در این روستا زمینی بوسعت ۱۲۰۰ هکتار وجود دارد که به تمام روستائیان تعلق داشته و برای چرانیدن گوسفندان بطور جمعی مورد استفاده واقع می‌شده است در چند ماهه اخیر دو تن از

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم جهانی

علیه مردم ما بسیج شده‌اند

چندی است که تبلیغات امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن دامنه و وسعت چشمگیری یافته است. اینک دشمنان مردم که منافع خود را در مرض نابودی می‌بینند سازمان یافته تر و بی‌پروا تر دست به کار شده‌اند. رادیکال‌های تبلیغاتی امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن کوشش می‌کنند با به راه انداختن تبلیغات پر سر و صدا به اتکای خواست‌های برآورد شده مردم و با بهره‌گیری از ناراضی‌تی‌ها و عصیان‌های در حال گسترش آنان نیات پلید خود را پیش برند. سیاست تبلیغاتی آنان هدف‌های زیر را دنبال می‌کنند:

- ۱- با پخش اخبار و مطالب نادرست سعی دارد تا جهت و سمت مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنان را از سنت اصلی خود منحرف کرده و توده‌ها را از ادایه مبارزات خویش دلسرد کند.
- ۲- مخدوش کردن مرز میان دوستان واقعی مردم با دوستان و جاسوسان امپریالیسم.
- ۳- ضربه زدن به مبارزات حق طلبانه خلق هر و لوث کردن مبارزات بروح آنان؛ به ویژه لطمه وارد کردن به جنبش مقاومت خلق کرد.
- ۴- کسب حیثیت برای خود از طریق نزدیک جلوه دادن خود به نیروهای انقلابی.
- ۵- اشاعه و رواج فرهنگ مبتذل.
- ۶- سازماندهی و هدایت ایادی امپریالیسم در ایران. با توجه به اهداف این سیاست، افشای نیات پلید امپریالیسم که با کمک دوستان و جاسوسان داخلی تبلیغ می‌شود، جزء وظایف انقلابی نیروها و سازمانهای ترقیخواه است. وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی است که برای مردم نقشه‌های جدید تبلیغاتی امپریالیسم امریکا و عواملش مانند بختیار را توضیح دهند. و نگذارند امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن مردم ما را بفریبند.

اقدام پرستل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

باید بدانند ماشه را ... بقیه از صفحه ۱۶

منصور حاج قاسمی همچنانکه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه نیز درج شده است، صرفاً به خاطر مبارزه برای ایجاد شوزاها و داشتن معتقدات سیاسی ترقیخواهانه بوده است. ستوانیار سوم، منصور حاج قاسمی، تنها به این دلیل اعدام گردید که معتقد بود: باید بدانند ماشه را به خاطر گی و به سوی چه کسانی می‌چکند! پرستل انقلابی ارتش اعتقاد دارد که کشف تمامی توطئه‌های طرفداران شاه و امپریالیسم امریکا در درون ارتش و کوشش در جهت اتحاد عمل با نیروهای ضد امپریالیسم جهانی به منظور خنثی کردن امپریالیسم امریکا است. ما اعدام ستوانیار سوم، منصور حاج قاسمی را شدیداً محکوم می‌کنیم و به همه مقامات مسئول هشدار می‌دهیم که این اقدامات به تشدید پراکندگی صفوف مردم و نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی خواهد انجامید و تنها به سود امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکا است.

یازدهمین اجلاس

"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"

باموفقیت به کار خود پایان داد

یازدهمین نشست اعضای اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا، به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون چگونگی برداشت محصول و وظایف و برنامه شوره‌های دهقانی در فصل درو، و ... در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۵۹ برگزار شد و با اتخاذ تصمیمات مهمی باموفقیت به کار خود پایان داد.

شرکت کنندگان در "اجلاس" ابتدا، با اعلام یک دقیقه سکوت، خاطره شهدای به خون خفته خلق، از جمله شهیدان جنگ تحمیلی اخیر ترکمن صحرا را گرامی داشتند. آنگاه یکی از اعضای "اتحادیه"، برگزاری یازدهمین اجلاس آن را شادباش گفت و سخنانی درباره اهمیت شوراها و اتحادیه سراسری بیان داشت و گفت:

"اتحادیه سراسری" که در راه کسب حقوق از دست رفته دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا مبارزه می‌کند همواره با کینه و دشمنی زمینداران بزرگ روبرو بوده است این دشمنی برای ما دهقانان و زحمتکشان نشانه حقانیت "اتحادیه سراسری" است. ما تلاش و توطئه‌های زمینداران بزرگ را برای درهم شکستن "اتحادیه سراسری" خنثی خواهیم کرد و بر آنان پیروز خواهیم شد. اعضای اتحادیه سپس به بحث و بررسی پیرامون مسائل مختلف پرداختند. برداشت محصول و نقش "اتحادیه سراسری" در این رابطه، جنگ تحمیلی کردستان، حمله به دانشگاهها به بهانه انقلاب فرهنگی، کوشش سراسری برای نابودی تشکلهای صنفی - سیاسی دانشجویان، شکست تجاوز نظامی امریکا، اهمیت اول‌ماه و نقش سراسری کارگر در

پیروزی مبارزات زحمتکشان روستا، از جمله مسائل مهمی بود که مورد بررسی قرار گرفت. یکی از اعضای "اتحادیه" ضمن سخنرانی در مورد اهمیت سیاسی و اقتصادی برداشت محصول، خاطر نشان ساخت که:

"مسئله درو و برداشت محصول اسفال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا برداشت موفقیت‌آمیز محصول اسفال در واقع نشانه پیروزی روز افزون زحمتکشان ترکمن صحرا در تمامی زمینه‌ها، از جمله امر تولید است. او سپس در رابطه با چگونگی تقسیم کار به هنگام برداشت، حفاظت از محصولات درو شده، جلوگیری از اقدامات خرابکارانه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ سخن گفت و یادآوری کرد که حفظ محصول و کوشش در افزایش تولید گندم و جلوگیری از ضایعات در جهت مبارزه با امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن است. ما باید برای مقابله با محاصره اقتصادی امریکا، گندم بیشتری برداشت نماییم.

شرکت کنندگان در "اجلاس" پس از این سخنرانی، در مورد کارشنکی عناصر ضد خلقی در امر برداشت محصول و حمایت پاره‌ای از مقامات مسئول از زمینداران بزرگ به مذاکره پرداختند و به این نتیجه رسیدند که:

"این وظیفه شوراها است که ماهیت این اعمال را برای مردم توضیح دهند و به آنها نشان دهند که آن شیوه‌ها راه به جایی نمی‌برد و گواه این امر هم پیروزی‌های چشمگیر خلق زحمتکشان ترکمن صحرا و اتحادیه سراسری شوره‌های خلق ترکمن، شادباش خونینی است که به آنها

تحمیل شد. مسئله زحمتکشان غیر ترکمن (سیستانی‌ها) نیز از جمله مسائلی بود که در "اجلاس" به بحث گذاشته شد. اعضای اتحادیه متفقاً برهمسنگی مبارزاتی همه خلقها تاکید کرده و ضرورت تقویت هر چه بیشتر زمینه‌های وحدت "سیستانی‌ها" و "ترکمن‌ها" را که همه توسط یک دشمن مشترک یعنی طبقه سرمایه‌دار و زمینداران بزرگ، استثمار می‌شوند، یادآور شدند. در این رابطه تصمیم بر آن شد که به منظور افشای سیاستهای ارتجاعی دولت و فئودال‌ها برای ایجاد درگیری بین زحمتکشان ترکمن و "سیستانی" از تجربه تشکیل "شورای مرکزی" مرکب از نمایندگان شوره‌های همه ملیت‌ها اعم از ترکمن و غیر ترکمن استفاده شود. در پایان نشست، از آنجا که هنوز مسائل مهمی وجود داشت تصمیم می‌بایست در مردشان تصمصم‌گیری شود. قرار شد کنگره شوراها هرچه زودتر برگزار شود. برگزاری موفقیت آمیز اجلاس "اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا" نشانه رشد و گسترش مبارزات عادلانه خلق ترکمن و پیروزی جدیدی در راه تأمین صلح زمین و آزادی برای زحمتکشان است. جانبازهای زحمتکشان ترکمن صحرا و موفقیت روز افزون روشنفکران انقلابی آن در راه آگاه نمودن و شکل توده‌ها بدون تردید دستاوردها و تجربیات گرانبایی برای دهقانان سراسر ایران دربر خواهد داشت. سازمان ما، پیروزی نوین خلق ترکمن را با گرم‌ترین درودها، به دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا و اتحادیه سراسری شوره‌های خلق ترکمن، شادباش می‌گوید.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



گزارشی از اراک :

مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

گزارشی که در زیر می‌خوانید حاصل تحقیق و مطالعه رفقای ما در اراک است. این گزارش با جمع‌بندی نظریات ۲۷۰ نفر از اقشار متفاوت مردم اراک تهیه شده است. ما اقدام رفقا را در تهیه چنین گزارشی ستایش می‌کنیم و خاطر نشان می‌سازیم که تنظیم گزارشات صحیح، عینی و منطبق بر واقعیات، وظیفه‌ای انقلابی است که ما را در شناخت صحیح وضعیت مردم و اتخاذ تاکتیک‌های درست یاری می‌رساند. ما از همه رفقا می‌خواهیم که با تنظیم و ارسال چنین گزارشی نقش فعال‌تری در پیشبرد صحیح وظایف انقلابی بر عهده گیرند.

رفقا! جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی به شناخت هرچه عینی‌تر از "وضعیت مردم" و "جامعه" نیازمند است و این نیاز را ما موظفیم با گوش پی‌گیر همه رفقا برطرف سازیم.

با پرفروغ‌ترین امیدهای کمونیستی برای شما

از روزهای قیام تا انتخابات ریاست جمهوری، اعتماد توده‌ها به مسئولین حکومتی، یک سیر نزولی مشخصی را پیموده است. در این میان "آیت الله خمینی" با موضوع گیری‌های خاص خود همچنان حلقه‌ای اتصالی است بین توده‌ها و حکومت. ایشان در مجموع توانسته‌اند گرانش توده‌ها را به نفع حاکمیت - نسبتاً - حفظ نموده و در توقعات و انتظارات رفاهی توده‌ها - به نوعی - تعدیل ایجاد نمایند. در واقع این حلقه‌ای اتصال توانسته است تا حدودی سیاست "صبر و انتظار" را جایگزین اعتراضات مردم نماید. لیکن این نگرش به هیچ وجه نباید ذنب این گرایش باشد که پس توده‌ها خواست‌های رفاهی خود را - در این مدت - رها کرده‌اند.

واقعیات نشان می‌دهد که اعتراضات اقتصادی - سیاسی نوین توده‌ها - از روزهای بعد از قیام تا امروز - تکامل جینی خود را طی کرده و جدیدی از حیات، مراحل بعدی خود را آغاز نماید. بی‌توجهی به این مسأله برای جنبش کمونیستی ایران خطری جدی در بر خواهد داشت.

ارزیابی نقطه نظر توده‌ها به روشنی نشان می‌دهد که دیگر سیاست "صبر و انتظار" بطور محسوس جای خود را به "بیان آشکار خواست‌ها" داده است. مثلاً با هرکس صحبت کنی، گرانی را به عنوان یکی امر واقع و پدیدهای غیرقابل انکار می‌پذیرد.

متعصب‌ترین افراد مذهبی نیز که باور داشتند "برای نان و خربزه انقلاب نکرده بودند" اکنون از گرانی دل خونی دارند و مانند همه زحمتکشان کلافه شده‌اند. اقشار میانی نیز در نهایت، ناراضی هستند و حتی لایه‌هایی از گروه‌های مرفه مردم نیز، "گرانی" را انکار نمی‌کنند.

از بین ۲۷۰ نفر از طبقات و اقشار مختلف که مورد ارزیابی قرار گرفته، تنها ۱ نفر آدم خیلی مرفه آنهم در برخوردی کاملاً سطحی و گذرا گفته: "هیچ چیز گران نیست." می‌شود به جرات گفت:

مشکل "گرانی" به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار صد درصد در بین تمامی طبقات و اقشار مردم این شهر به صورتی حاد مطرح است و دیگر جای تردید و بحث باقی گذاشته است. در نتیجه تنها نکته‌ای که این گزارش - در حد توان خود - بدان توجه نموده است، نوع برخورد‌ها و عکس‌العمل‌هایی است که مردم نسبت به پدیده "گرانی" از خود نشان داده‌اند.

۱- اقشار تحتانی کارگران و سایر زحمتکشان شهروستا: در حدود ۶۰ درصد از افرادی که در این بخش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، از گرانی و کمبود مواد اولیه زندگی کاملاً "کژنزه" به نظر می‌رسند. ۴۰ درصد بقیه نیز به شدت اظهار ناراضگی کرده‌اند. گاهی اعتراضات شکل "ضجه" به خود گرفته است: "پدرمون درآمده"، "ای آقا، باید سرمون بذاریم و ببریم"، "می‌سوزیم و می‌سازیم".

نکته‌ای که در این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شناختی است که توده‌ها نسبت به کشف ریشه‌های اصلی "گرانی" پیدا کرده‌اند. عموماً می‌گویند "علت همه این گرانی‌ها سرمایه‌داران و امریکایی‌ها هستند".

یک موج مخالفت آشکار علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم در رابطه با فشارهای اقتصادی شکل گرفته است که آهنگ رشدش بسیار تند است. در این رابطه آهنگ رشد آگاهی‌های سیاسی - طبقاتی توده‌ها بسیار چشمگیر است. استدلال "دکاندرها" عامل گرانی‌اند" در بین توده‌ها رنگ باخته است. حتی آن جایی که از

"فروشنده‌گان" و "محتکران" صحبت به میان می‌آید بیشتر عمده فروش‌ها و سرمایه‌داران مورد نظرشان است. دیگر به ندرت می‌شود در بین توده‌ها کسی را پیدا کرد که "کمینه‌ها" را عامل گرانی قلمداد کنند. در این بخش تنها ۲ مورد از این نحوه تفکر دیده شده است.

جملات زیر را توده‌های مردم در گفتگوهای خویش تکرار می‌کنند:

"گفتیم بنی‌صدر وضع را درست می‌کند که فقط حرف می‌زند، اهل عمل نیست"، "همان وعده و وعیدهای زمان شاه" این دولت هم دولتی نیست که به فکر ما باشد". "به جز امام همه‌شون امریکایی‌اند" و... .

شورای انقلاب و بسیاری از لیبرال‌های درون حاکمیت اتوریته‌ی خود را از دست داده‌اند. مخالفت‌های آشکاری نیز با "بازرگان" شروع شده که قبلاً به ندرت در بین مردم عادی اراک دیده می‌شد. بطور مشخص او را "سرمایه‌دار" و "سازشکار" می‌نامند.

روستائیان بیشتر یا خشم و کینه از "گرانی" و "مسئولین حکومتی" صحبت می‌کنند. در روستاهایی که مسأله ارضی مطرح است، در بین روستائیان که دنبال وام و ادارات کشیده شده‌اند انگیزه‌های تازه‌ای از بی‌اعتمادی به وجود آمده، که است که وزارت کشاورزی در برابر مطالبات دهقانان و مسأله زمین اعمال کرده است. عده‌ای نیز "مردم" را مقصر دانسته‌اند که تعدادشان ناچیز است. این دسته از زحمتکشان می‌گویند:

" بنی صدر تازه روی کار آمده، باید ببینیم چه می‌کند؟"، " دولت باید همه چیز را خودش کنترل کند"، " باید از طریق تعاونی‌ها فروش اجناس کنترل شود"، " در اسلام صبر هست باید صبر کرد"، " بنی‌صدر می‌تواند وضع را درست کند"، " آخر او نماینده‌ی امام است" و...

یک نفر نیز گفته است: این گروه‌ها نمی‌گذارند. در مجموع کسانی که نظریاتشان زمینه‌هایی از استدلال‌های فوق را به همراه دارد، کاملاً در اقلیت می‌باشند.

۲- لایه‌های میانی کارگران و خریده بورژوازی: اساس تفکر توده‌های این بخش نیز با قسمت اول تفاوت چندانی ندارد. جز آنکه استدلال‌ات آنها - کم و بیش - رنگ و بوئی از تاریخ سیاست و اقتصاد را نیز به همراه دارد. بررسی خواست‌ها و نظریات مردم به وضوح نشان می‌دهد: آنجا که اعتراضات و مبارزات توده‌ها ناشی از یک مشکل مشترک و ملموس‌تری باشد، اقشار و طبقات خلق به هم نزدیک شده و به روشنی می‌شود در بین آنان اعتقادات مشترکی یافت.

کسبه نیز گرانی را از "بالا" دانسته و عامل آن را "سرمایه‌داران" می‌دانند. در استدلال آنان غالباً دو وجه مشخص دیده می‌شود. اول آنکه گرانی را مشخصاً به سرمایه‌داران نسبت می‌دهند. دوم آنکه سعی میکنند با این استدلال توجیهی نیز برای گران - فروشی‌های خود پیدا کنند. رویهمرفته کسبه درباری مشکل گرانی، واقفا با مردم به نوعی اظهار همدردی،

می‌کنند. زنان زحمتکش اراک در بیان اعتراضات و نظریاتشان از صراحت بیشتری برخوردار بودند. به روشنی می‌شود فهمید که زنان "گرسنگی" و "فشارهای اقتصادی" را ملموس‌تر احساس می‌کنند.

۳- مرفه‌ترین خریده بورژوازی اراک و سرمایه‌داران:

مرفه‌ترین گروه‌ها نیز "گرانی" را به عنوان یک امر واقع پذیرفته‌اند. لیکن بطور مشخص برخوردشان در باره گرانی با سایر طبقات و اقشار خلق متضاد است. هیچ نقطه‌ی مشترکی بین گفته‌های ایشان و توده‌های مردم وجود ندارد. خطو مرزبان را کاملاً رسم کرده‌اند. به راحتی می‌شود فاصله‌ی عمیق بین منافع توده‌ها و منافع ایشان را احساس کرد. اگر ناراضی نیز در گفته‌هایشان دیده می‌شود، به علت "کمبود کالا" و "عدم مرغوبیت اجناس" است. گرانی را معلول "حقوق زیاد کارگران"، "قطع رابطه با امریکا"، "تنوع در مراکز تصمیم‌گیری"، "هول زدن مردم و اینکه به حق خود راضی نیستند" می‌دانند.

در همه دنیا تورم وجود دارد. اینها همه از عوارض انقلاب است". " یعنی که بترسید و دیگر انقلاب نکند! مردم را نیز حکومانه به "صبر" دعوت می‌کنند و از آنان می‌خواهند که "خدا را شکر" کنند. به حاکمیت نیز بنا به خواست‌های طبقاتی خود بدین‌اند. "آخوند بازی است"، "توی پاسداران، جهاد سازندگی، کمونیست‌ها نفوذ کرده‌اند. زمین‌های مردم را می‌گیرند، تقسیم می‌کنند". درون هیئت حاکمه عده‌ای طرفدار شوروی هستند. و...

یادآوری می‌کنیم که دسته از هر اقدامی که در جهت سرکوب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی صورت می‌گیرد پشتیبانی می‌کنند و بیشترین نفرت را از "فدائی‌ها" از خود نشان می‌دهند، این دسته در مقابل هرگونه حرکت انقلابی مقاومت و مسپاشی می‌کنند و آمادمانند که از هرگونه کمکی به "ضد انقلاب" کوتاهی نکنند. آنان بیشترین دشمنی‌ها را با مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم از خود بروز می‌دهند.

آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند

باردیگر موجودیت شوراهای بطور جدی مورد سؤال قرار گرفته است و این مسئله تازه‌ای نیست. از همان آغاز روی کار آمدن دولت بازرگان مقابل و مبارزه جوشی کینه توزانه علیه شوراهای آغاز شد و تلاش‌های فراوانی بعمل آمد تا اینگونه تشکلهای تودم‌های را در نطفه خفه کنند. ولی شوراهای، علیرغم همه تلاش‌های سرمایه‌داران و حتی در شرایطی که آزادی‌های سیاسی در مرداد ماه همانند امروز مورد تهاجم و تهدید قرار گرفت، مقاومت کردند. پس از تهاجم به شوراهای دهفانی ترکمن صحرا (که دستاورد مبارزاتی انقلاب دهفانان و زحمتکشان خلق ترکمن است) برنامه ریزان یورش به دانشگاه‌ها و کشتار وحشیانه دانشجویان ضمن تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در توده‌های مردم، درست در لحظاتی که خطر تهاجم آمریکا یک خطر واقعی است و خاطر مردم ما را به خود مشغول داشته است محیطی مناسب برای بهره‌برداری و تبلیغات علیه نیروهای انقلابی و تشکلهای تودم‌های یافتند. بطوری که شوراهای، این دستاورد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان بار دیگر مورد تهاجم جدی قرار گرفته است. شوراهای کارخانه‌ها که در شرایط انقلابی قبل از قیام عمدتاً از دل کمیته‌های اعتصاب و پس از قیام به منظور کنترل و اداره کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران وابسته و فراری شکل گرفتند، طی یک سال اخیر نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک داشتند. شوراهای کارخانه‌ها در بسیاری موارد، حرکات و اقداماتی انقلابی و مترقی بر علیه سرمایه‌داری و قوانین و آئین‌نامه‌های آن انجام

دادند. نقش موثر شوراهای در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیسم کردن آنها، به راه انداختن واحدهای تولیدی‌ای که در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن و افزایش بهره‌وری تولید در واحدها (میزان تولید کارخانه لیفتراک سازی تبریز پس از اداره آن توسط شورا از ۲ لیفتراک در

خود سعی کنند شوراهای را بی‌محتوی سازند. حزب جمهوری اسلامی با آنکه به انجمن‌ها و کانون‌های وابسته به خود در کارخانجات می‌کوشد از عواطف و اعتقادات مذهبی کارگران بهره‌برداری کند و رهبری مطلق همه فعالیت‌های درون کارخانجات را به خود اختصاص دهد. انحصارجویی و تنگ‌نظری این حزب به آن اندازه است که تنها برای نیروهای وابسته به خودش حق حیات سیاسی - اجتماعی

مجدد در آنها (کارخانه کاشی پارس قزوین - نیمه دوم فروردین ماه) ، تحریک کارگران ناآگاه به ایجاد درگیری با کارگران مبارز و مترقی و همچنین دامن زدن به این درگیری و تشدید اغتشاش برای زمین‌سازی و توجیه ورود پاسداران به کارخانه‌ها و بازداشت کارگران مبارز، اتهام و دروغ‌پردازی علیه نیروهای انقلابی و کارگران مترقی (در ۱۵ فروردین ماه جاری کارخانه ایرداک تبریز کارگر مبارزی

مورد تلاش‌های حاکمیت برای مقابله و اوجگیری از اعمال اراده توده‌ها از طریق شوراهایشان بود. اما مسئله جانب دیگری هم دارد. یعنی وجود:

الف - بحران عمیقی که به صورت بیگاری، تورم، کمبایی و گرانی گریبانگیر جامعه است و چارچوب قوانین گذشته را در هم ریخته و بازسازی آن را با همسان مضامین ناممکن ساخته و طالب وضعیت دیگری است.

ب - اراده و آگاهی توده‌های مردم که تجربه قیام را پشت سر دارند، و به حقوق خویش و تشکیلات حافظ منافع خویش کم و بیش آشنائی یافته‌اند.

پ - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکلهای توده‌های (به ویژه شوراهای کارگری و ...) آنکه توده در جهت ارتقاء آگاهی و انجمن و زحمتکشان مبارز و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سگرهای این مبارزه یعنی دفاع از شوراهای و در رأس آن شوراهای کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراهای تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تأمین منافع اقتصادی و سیاسی محتوی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراهای نمونه‌ای از تشکلهای در بقیه در صفحه ۷

کارگران پیشرو باید از برخورد‌های ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشاگری‌های سیاسی و ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران، شورا را تقویت کنند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهرآگین و نفاق‌افکنانه حاکمیت را که همواره از "خلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زنند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند.

هفته به ۲۱ واحد رسید و یا بازدهی راه‌آهن سراسری با نظارت و کنترل شورا طی یک سال گذشته ۲۰٪ افزایش یافت) اخراج عوامل و وابستگان به دربار و امپریالیسم، ساواکی‌ها و دیگر مزدوران رژیم گذشته، مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که همراه بهبود شرایط کار و زندگی توده کارگران بود. از دستاوردهای شوراهاست. این تشکلهای سنگر واقعی مبارزه ضدامپریالیستی بوده است و هم از این روست که کارگران در روز اول ماه مه شمار (در سنگر شوراها، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا) را سر می‌دهند.

مبارزه شوراهای که در گسترش خود، نظام سرمایه‌داری را به مخاطره می‌اندازد حزب جمهوری اسلامی و بنی‌صدر را وامی‌دارد که هرکدام به شیوه

قائل است و زیر عنوان تشکیل شوراهای ضد در صد اسلامی می‌خواهد کنترل خود را در کارخانجات برقرار کند. غافل از آنکه تورا نه بسک تشکیلات حزبی بلکه تشکیلاتی همگانی و توده‌ایست. انحلال شوراهای انقلابی و مترقی، تحریک توده‌های ناآگاه و به‌ویژه اعزام باندهای سیاه به کارخانجات (کارخانه ساندیس ارومیه در تاریخ ۳۰ فروردین مورد هجوم قرار گرفت و شورای آن منحل اعلام شد و ۱۵ تن از کارگران دستگیر شدند. کارخانجات ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز در هفته دوم اردیبهشت ماه جاری توسط عناصر مشکوک و باندهای سیاه اشغال شد و شورای انقلابی آن منحل گردید). برگزاری انتخابات مجدد (و کنترل شده) برای کنار زدن نمایندگان مترقی و مبارز در جوی تحریک شده و ضد - کارگری، تلاش برای حفظ و تثبیت شوراهای فرمایشی و مخالفت جدی با انتخابات

را به اتهام واهی رشوه‌خواری دستگیر می‌کنند). اینها از جمله روش‌هایی است که حزب جمهوری اسلامی با توسل به آنها می‌کوشد شوراهای کارگری را از مضمون و محتوی توده‌های و همگانی‌اش تهی کرده و آن را به صورت جریان فرمایشی در شکل توده‌های را به مای دولتی بدل کند و امامیر در با روشی دیگر شعار "بی شورا" را مطرح می‌کند او می‌کوشد که جنبه انقلابی توده‌های شوراهای را تحت - الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد. رئیس جمهور می‌کوشد تا با تضعیف تدریجی شوراهای وزارت کار و مدیریت کارخانه‌ها را تقویت کند و شورا را به زائده ادارات دولتی و مدیران تبدیل نماید.

آنچه گفته شد، عمدتاً در

با اتهام واهی رشوه‌خواری دستگیر می‌کنند). اینها از جمله روش‌هایی است که حزب جمهوری اسلامی با توسل به آنها می‌کوشد شوراهای کارگری را از مضمون و محتوی توده‌های و همگانی‌اش تهی کرده و آن را به صورت جریان فرمایشی در شکل توده‌های را به مای دولتی بدل کند و امامیر در با روشی دیگر شعار "بی شورا" را مطرح می‌کند او می‌کوشد که جنبه انقلابی توده‌های شوراهای را تحت - الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد. رئیس جمهور می‌کوشد تا با تضعیف تدریجی شوراهای وزارت کار و مدیریت کارخانه‌ها را تقویت کند و شورا را به زائده ادارات دولتی و مدیران تبدیل نماید.

آنچه گفته شد، عمدتاً در

استقلال - کار - مسکن - آزادی



آنجا که شوراها واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری ...

بقیةازصفحه ۶

میهن ماست که در برابر تهاجم به حقوق دمکراتیک باید از آن قاطعانه پاسداری کرد. به این ترتیب نیروهای آگاه و ترقیخواه باید: ۱- مفهوم مترقی و انقلابی شورا و راز قدرت و استقامت آن را بیش از پیش به توده‌های کارگر توضیح دهند. اینکه نمایندگان شورا با رای مستقیم و مخفی همه کسانی که در کارخانه کار می‌کنند تعیین شده و بوسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد و هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد برای کارگران نماینده‌ای منصوب نماید و با نمایندگان آنها را خودسرانه عزل کند.

(بطور مثال دخالت بی‌جای اسنادار و مقامات "مسئول" دیگر در کار شوراهای تریز و مداخله وقیحانه اوباش در کارخانه پاکدیس ارومیه و بازداشت و عزل خودسرانه نمایندگان شورا توسط پاسداران و ...) شورا متعلق به کارگران است و تعیین خوب و بد آن نیز با آنهاست و کارخانه محل کار و زندگی و مبارزه کارگران است و از این رو هیچ کس حق تجاوز به حریم آن را ندارد. کارگران از شوراهای کارخانه‌ها در برابر تجاوز و تعدی سرمایه‌داران و باندهای آنان باید پاسداری کنند.

۲- با افشاکاری هرچه وسیع‌تر توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران و عواملشان و همچنین افشای توطئه‌ها و حرکات مداخله‌جویانه عناصر غیر مسئول و شناسایی باندهای سیاه و رهبران و سازماندهندگانشان، و نحوه کار آنها توده‌های کارگر را یاری دهند تا با اتحاد آگاهانه‌شان حول شورا از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عیناً موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، انتعاف لازم را برای

عقب‌نشینی‌های موقتی و رفع موج تهاجم و سرکوب از خود نشان دهند و شورا را (بضمون آن را) از خطر ازم‌باشیدگی حفظ کنند تا مجال گسترش مجدد شوراها را پیدا کنند و در این رابطه باید علاوه بر مقابله با توطئه‌گران ضدکارگر با جریان‌های انحرافی، چه

فاندرند در حرکت شرکت نمایند نیز باید در اتخاذ تاکتیک در نظر گرفته شد. و نه تنها سطح مبارزات کارگر بلکه وضعیت عمومی جامعه فضای سیاسی حاکم بر آن نیز مورد محاسبه قرار گیرد. نمونه‌هایی دیده شده است که شوراها بدون توجه به

مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که ثمراتش بهبود شرایط کار و زندگی دستاوردهای شوراهاست.

آثارسیستی و چه‌تسلیم‌طلبانه درون کارخانه نیز خط فاصل روشن و متمایز ترسیم نمایند ۴- در برخی موارد مبارزات یک شورا ابعادی فراتر از چارچوب کارخانه می‌یابد و یا یک حرکت مشخص چشم‌انداز شرکت نیروهای وسیع‌تری را نشان می‌دهد و یا محتوی و شیوه مبارزه حساسیت نیروهای غیرکارگر و ضد کارگر را در دفاع از منافع طبقاتی‌شان برمی‌انگیزد (مثل حرکاتی که مضمونش تعرض شورا به "حریم" مالکیت خصوصی باشد) و همچنین مواردی که خواست‌های سیاسی بالنسبه مهم و یا خواست‌های اقتصادی (به صورتی گسترده و هماهنگ) مطرح می‌شود و امکان سرایت آن به نیروها و واحدهای دیگر کارگری می‌رود و یا حتی در یک شورا و یا چند شورا معدود سنت مبارزات انقلابی پایه می‌گیرد. و گامی برای گسترش شعارها و خواست‌های انقلابی کارگران به واحدهای دیگر می‌شود. در همه این موارد سنگینی بار وظیفه‌ای که نیروهای پیشرو و آگاه بردوش دارند آنچنان زیاد است که اتخاذ تاکتیک مناسب باسانی میسر نیست. در اینجا نه‌تنها باید توان و ظرفیت عیناً موجود کارگران و شورائی که حرکت را آغاز می‌کنند، بلکه ظرفیت و توان همه عناصر بالقوای که

تداوم آن حرکت و آن شعار را در جهت تحقق آن تضمین نماید. ایجاد کانون‌های هماهنگ کننده شوراها گام مثبتی در این جهت است.

۵- با کار آگاه‌گرانه خود جناح‌بندی‌های ساختگی و تبعیض آمیز را که مانع اتحاد یکپارچه کارگران می‌شود خنثی نمایند. تبلیغات خنثی که بر مبنای تقسیم‌بندی کارگران به مذهبی و غیر مذهبی صورت می‌گیرد تنها به سود نیروهای ضد کارگر است. در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر صف بندی ایدئولوژیک در درون شوراها و تشکلهای توده‌ای مشابه آن (قطبی شدن کارگران در تشکیلات علنی) تنها از هم پاشاندن آن را تسریع می‌کند شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با دامن زدن به چنین جناح‌بندی‌هایی خصلت توده‌ای و همگانی شوراها را زایل می‌کنند. وقتیکه حزب جمهوری اسلامی از شورای صد در صد اسلامی صحبت می‌کند، با مبنا قرار

بنی‌صدر با شعار " شورا بی شورا " می‌کوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراها را تحت‌الشعاع قوتین و آئین‌نامه‌های ضدکارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری " نظم و امنیت " از هم بپاشد و تلاش‌های سازد.

دادن ایدئولوژی و مذهب برای یک تشکل توده‌ای عملاً این تشکل را نفی می‌کند و مانع وحدت تشکیلاتی کارگران می‌شود. هدف تشکل‌های توده‌ای بسیج و سازماندهی توده کارگران (و یا دیگر اقشار) است برای حل مسائل خودشان و مسلم است که در چنین تشکل‌هایی موضوع مبارزه و جریانات مختلف سیاسی در چارچوب مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران و طرح‌ها و شیوه‌های عملی حل آن بروز می‌کند نه در قالب مجرد و ایدئولوژیک آن. آنچه که در این تشکل محور کار است مهمتر از آن به معنای قبول مسئولیتی است که گسترش و

کارگری را هم به آسانی طرح کرده است و در نتیجه بجای آنکه به الگوی متمم پذیری تبدیل شود، موجبات انفراد و انزوا بیشت خود را فراهم کرده است. کارگران پیشرو نباید نمونه‌سازی از این یا آن شورا را دامن بزنند بلکه شوراها هماهنگ به پیش بروند. گسترش متوازن و هماهنگ شعارهای انقلابی می‌تواند گرایش به الگوسازی صرف را تحت‌الشعاع قرار دهد و شعارهای انقلابی منفرد و پیش‌رو را مهار کند. طرح یک شعار انقلابی تنها آغاز یک حرکت نیست بلکه مهمتر از آن به معنای قبول مسئولیتی است که گسترش و

و کم و کیف این مبارزه باید در خدمت آن باشد. کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراها پرهیز کنند و با افشاکاری‌های سیاسی و ارائه راه حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران شورا را تقویت کنند. ۶- دستاوردهای مثبت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی‌ای را که توسط شوراها کنترل و اداره می‌شوند تبلیغ نمایند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنچه که مستقیماً بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهر آگین و نفاق افکنانه حاکمیت را که همواره از "خلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند. در این رابطه است که باید کارگران پیشرو مفهوم روشنی از نقش شوراها در پیشبرد مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک تصویر کنند. به این معنی که علاوه بر آنکه باید بر نقشی که شوراها به عنوان نفی‌کننده ضوابط ورشکسته و ضد مردمی پیشین داشته و دارند تأکید شود، به اهمیت نقش سازنده شوراها در مقابل نظم ورشکسته‌ای که نفی‌اش می‌کنند بیش از پیش تأکید کنند و مشخصاً نشان دهند که چه چیز نوینی را جایگزین کهنه می‌کنند و این امر با تأکید بر سهم این تشکل‌ها در سازندگی اقتصادی - سیاسی جامعه میسر می‌شود. با تفهیم اصولی این دو جنبه مبارزه شورا (نفی ضوابط کهنه و بی‌ریزی ضوابط نوین) بر بستر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها، پیشروان طبقه کارگر قادر خواهند بود رهنمودهائی انقلابی، مشخص و موثر بدهند و تعهد ویژه شان را در این مبارزه به نحوی مسئولانه ادا نمایند.

پیروزیاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

یادداشتی از سفر نورو به کردستان

● مردم نگران مرکز بودند، خبر تأثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بزن نخواهند داشت.

فرصت خوبی بود در ایام عید که به کردستان سفری کنیم. کردستان وقایع خونینی را پشت سر گذاشته بود. خبرها از دور می آمد. از خواست مردم کردستان برای داشتن شوراها، برای نابود کردن تحقیر و ستم ملی که طی سالها بر آنان روا شده بود. برای آنکه خرابی و بیدادی را که سالهای متمادی بر آنها رفته است نابود کنند به محض ورود، احساس تازه ای که به آدم دست می داد، احساس نگرانی از مرکز بود. آیا جنگ افروزان دوباره دست به تدارک حمله ای خواهند زد؟ آیا آنها نمی خواهند ایرانی آزاد و فارغ از ستم وجود داشته باشد؟ آیا آنها دوباره خانه ها و بیمارستان ها و مردم و کوچه و بازار را به گلوله خواهند بست؟ این نگرانی در چشم همه بود. کودکانی که روی تپه آواز می خواندند با شک و تردید غریبه ها را نگاه می کردند! آوازشان را قطع می کردند و می خواستند بدانند ما حامل خبرهای شومی برای آنها هستیم یا پیام آوران شادی. در گوشه ای، مردم جمع شده بودند و کسانی را که جوانان را معتاد کرده بودند، محاکمه می کردند. اکثر این عناصر وابسته به "مفتی زاده" بودند. مردم به مسافری می گفتند: خودتان قضاوت کنید ببینید در اینجا چه کسانی هوادار اسلام مفتی زاده ها شده اند و گرداننده بساط او هستند. متهم در جریان وقایع خونین کردستان، تنگ از مفتی زاده گرفته بود و مردم کرد را می گشت. دین جاهای دیگر نمایشگاههایی برپا کرده بودند که به مردم فجایع امپریالیسم را نشان می داد. در جای دیگر به مردم سواد یاد می دادند. و راه کشت و آبیاری بومی. در همه جا زندگی تیلور داشت. اما آهسته آهسته خبر کشتار "قلاتان" در همه جا پخش شد. سوخته مردم رو به

سنگرها آوردند. خبر تأثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بزن خواهند داشت و به عناوین مختلف سعی دارند منطقه را به آتش بکشند. در قهوه خانه ها در معابر عمومی صحبت از این قتل عام بود آنچه برای هر مسافر آزار دهنده بود این بود که به راستی این چه دستهایی است که در زیر پوشش اسلام قاچاقچیان و اوباش را اجیر می کند تا فرزندان راستین کرد را به گلوله بسپارد.

در سیامی مردمی که به پا خاسته بودند تا زندگی را بسازند و برقرار کنند، تصمیم و مقاومت موج می زد. دستهای آنان، آماده ساختن قلب آنها، از صلح مالا مال بود. حدود ۱۱ شب به ما خبر دادند زخمی های دهکده "قلاتان" به شیر و خورشید مهاباد منتقل شده اند. به بهانه دیدن برادر یکی از پیشمرگه ها توانستیم در آن وقت شب به بیمارستان برویم. بعد از دیدن چند زخمی که ماهها در بیمارستان بستری بودند

یکی از مجروحان قلاتان را دیدیم. پیروزی بود هفتاد و هشتاد ساله. دردی عمیق تمامی چشمانش را پر کرده بود. دردی که در چشم تمامی زحمتکشان آن را می توان دید. جنایتکاران با تیر بایش را از زیر زانو قطع کرده بودند. دهقان زجر کشیده و نگاهش امیدوار بود احساس کردیم که باید تا حق طلبانه و این جنایت بی شرمانه را به همه شناسانیم. باید زحمتکشان بزد، قم، تهران، خوزستان

کیلان و تمامی زحمتکشان ایران بدانند که این جنگ، جنگ شیبه و سنی نیست. جنگ کرد و فارس نیست. بلکه گوشه ای چشمگیر از مبارزات خلق بر علیه امپریالیسم است. باید همه زحمتکشان بدانند که کشتار در کردستان برای آن است که نگذارند زحمتکشان قدرت و اراده خود را برای ساختن یک ایران مستقل که کردستان جزئی از آن است به کار گیرند و به شمر رسانند.

قسمتهائی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان

ترور رفیق کمال کیانفر (دانشجوی پیشکام تبریز)

بیانگر درماندگی و ضعف سرکوبگران در مقابل جنبش رو به رشد زحمتکشان است

خلق قهرمان ایران!
مردم مبارز تبریز!

عصر روز سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۵۹ هنگامی که رفیق کمال کیانفر دانشجوی پیشکام (سال اول فنی رشته مکانیک تبریز) به همراه چند تن از هم زمانش مشغول پخش "خبرنامه کردستان" در مسیر چهار راه متحدین - میدان شهرداری بودند، توسط ماشین سپاه پاسداران تعقیب می شوند.

پاسداران مسلح برای دستگیری رفقا از ماشین پیاده می شوند، عابرین به محض مشاهده این عمل پاسداران به حمایت از رفیق کمال و هم زمانش بر می آیند. مردم رفیق را از چنگ پاسداران مهاجم رها می کنند. رفیق تلاش می کند که خود را از صحنه دور کند ولی پاسداران در حضور عده ای از مردم زحمتکش تبریز به طرف رفیق کمال نشانه روی کرده و او را هدف گلوله قرار می دهند. گلوله به مغز رفیق اصابت می کند. او در واپسین لحظه زندگی اش آخرین نیروی حیاتش را جمع می کند و برای آخرین بار می گوید: " درود بر کارگران رفیق کف خیابان می افتد و خون سرخش خیابان را گلگون می کند مردم به شدت به پاسداران اعتراض می کنند. مردم تلاش می کنند تا او را به بیمارستان برسانند ولی پاسداران با بیرحمی مانع رساندن رفیق به بیمارستان شده و نتیجتاً شهیدی دیگر به شهادت انقلاب ایران افزوده می گردد.

مردم با به شهادت رسیدن رفیق خشمگینانه دست به اعتراض زده و با دادن شعار: " این سند جنایت است امریکاست"، " ای جلاد ننگت باد، امریکا مرگت باد"، " ملت قضاوت ایله، آیا بودور آزادلیق؟" (مردم قضاوت کنید - آیا این است آزادی؟) نرفت خود را از این عمل جنایتکارانه بیان می دارند.

این جنایت آشکار تنها نمونه کوچکی از اعمال ضدانقلابی است که اینک در سراسر میهن ما بر علیه جنبش انقلابی توده ها جریان دارد.

سرکوب جنبش انقلابی توده ها در شرایطی گسترش می یابد که امپریالیسم امریکا با همدستی مزدورانش در ارتش دست به تجاوز آشکار بر علیه جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم مبارز میهن زده است.

این اعمال بیانگر تلاش مذبوحانه کسانی است که از جنبش رو به رشد توده ها به وحشت افتاده اند. ما ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه خواهان محاکمه علنی پاسدار قاتل بوده و سپاه پاسداران، شورای انقلاب و شعبه ریاست جمهوری را مسئول مستقیم این ترور جنایتکارانه می شناسیم.

ما از تمام نیروهای انقلابی، از جمله هواداران سازمان می خواهیم که با تمام توان خویش و با هر امکانش که در دسترس دارند ماهیت این عمل جنایتکارانه را برای توده ها توضیح دهند.

هواداران سازمان و دیگر انقلابیون صادق در چنین شرایطی که جنبش انقلابی توده ها مورد تهاجم امپریالیسم و عوامل مزدور سرمایه داری قرار گرفته، وظیفه دارند که با تمام توان خویش در جهت سازماندهی مبارزه زحمتکشان فعالیت انقلابی شان را شدت دهند.

ما ایمان داریم که هیچ نیرویی قادر نخواهد بود مانع رشد روزافزون جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ما گردد.

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



۲۱ اردیبهشت

مربوان یکنبه

پنجم مبارز شهر امروز یکی از شهروان خود را که در جریان درگیری گروه رش به شهادت رسیده بود، به خاک سپردند. باز هم شهیدی به انبوه شهدای خلق اضافه شد.

بیجار

امروز بر اثر انفجار یک سی در اطراف مقر ارتش یک نظامی کشته و دو نفر زخمی شدند.

پاوه

انفجار مین در اطراف پاوه باعث کشته شدن دو پاسدار شد. در این جریان دو پاسدار دیگر نیز مجروح شدند. این نتیجه است

اجساد ناپدید جنگی است که سرکوبگران مردم به راه انداخته‌اند و در آن

رحمتگان حتی از همه رنج می‌سیند. این پاسداران نیز اکثرا از افتخار رحمتگان جامعه برخاسته‌اند. بسیاری از

خوانایی هستند که جز خدمت به مینشان هدفی ندارند. آنها نیز قربانی مطامع فدرت‌مدان و مسئولان جنگ‌افروز مملکتی می‌شوند

فرماندهانشان آنها را می‌فرسند. به بهانه خدمت به خلق، به کشتار خلق روانه‌شان می‌کنند. از

احسانات پاک مذهبی‌شان سو استفاده می‌کنند و آنها را به جبهه‌های گسیل می‌دارند که

جز مردم زخمی‌کن، کسی در مقابلشان نیست. دست

جنگ‌افروزان از آستان آستان بیرون می‌آید و سلاحتان که

باید سینه دشمنان مردم را آماج خود بگیرد. قلب

تودما را نشانه می‌رود. آنها بسیاری‌شان فرسوده

خورده‌اند.

ارومیه

درگیری بین نیروهای نظامی و پیشترگان ساعتها است که ادامه دارد. در جریان این درگیری ۲ پاسدار و ۸ سرباز کشته و مجروح شده‌اند. ... صبح روز بعد همچنان صدای شلیک‌های پراکنده به گوش می‌رسد.

بانه

به دستور فرماندهان ارتش هلی‌کوپترها و فانتوم‌ها به دستور فرماندهان ارتش مرتب شهر را بمباران می‌کنند. صبح امروز دو فرود هواپیما بر فراز شهر به مانوسور پرداختند. حوالی ظهر هلی‌کوپترها در آسمان شهر ظاهر شدند و شهر را به گلوله بستند. لیکن آتش سلاح‌های پیشترگان به آنها امکان فرود نداد و مجبور به عقب‌نشینی

چه کسانی به جای صلح، جنگ را دامن می‌زنند؟



جنگ تحمیلی اخیر بر خلق دلاور کرد، برای مردم رزمنده آن و پراگرسی‌های بی‌شماری را به دنبال داشته است. در معصومیت نگاه کودکان کرد آینده درخشانی موج می‌زند. در زیر این خانه‌های چادری کودکانی بزرگ می‌شوند که درس مبارزه را می‌آموزند.

اسلامی مخابره شده سربازان دیگری است که وضع ارتش را نمایان می‌سازد. اس بیام وضعیت پادگان را به شدت خطرناک توصیف کرده و اگر تا دو روز دیگر کمک ارسال نشود پادگان به دست پیشترگان سقوط خواهد کرد. همچنین سربازان پادگان جواس‌های به حی و عادلانه در صورتی که ترسیمی برای جمع‌آوری اسلحه سربازان از میدان جنگ داده شود، آنها به کردها ملحق خواهند شد.

به دنبال آن سربازان متزلزل است. بسیاری از سربازان که در جریان جنگ درک می‌کنند کشته شدنشان منتهی به فرماندهان دست‌برورده آمریکا. آنها را فریب داده و به بهانه جنگ با صداغلاب به کشتار مردم واداشته‌اند. از اجرای فرمان آذمکنی سرباز می‌زنند. خلق کرد تاکنون بارها اعلام کرده است که صلح می‌خواهد نه جنگ. خلق کرد صلح عادلانه دلاورانه مقاومت می‌کند و روحه نیروهای سرکوبگر را در هم می‌شکند. به متن زیر دقت کنید. بایمی است که از طریق بی‌سیم بین ارتش و پاسداران مبادله شده است این پیام خود تصویر زنده‌ای از تزلزل در ارتش ارائه می‌دهد:

سقز

در جریان درگیری‌های امروز شهر، ۳ ارتشی کشته و عده‌ای زخمی شدند. از مردم عادی نیز عده‌ای مجروح شده‌اند.

۲۲ اردیبهشت

خوی دوشنبه

امروز عده‌ای از پرسنل انقلابی، به منظور اعتراض به وقایع اخیر کردستان در پادگان شهر متحصن شده‌اند. ظهیر نژاد، فرمانده زاندارمری به دنبال این اقدام انقلابی پرسنل مبارز به خوی آمده است. متحصنین که دیده‌اند چگونه مسئولین جنگ افروز مملکتی فرماندهان مردور آنها را به کشتار زنان و مردان زحمتکش کرد و می‌دارند. با این عمل انقلابی خود یک بار دیگر نشان می‌دهند که در میان سربازان، درجه‌داران و افسران جز کم نیستند کسانی که به هیچ قیمت‌سی حاضر نمی‌شوند گلوله‌هایشان را در سینه‌های خلق خویش بنشانند.

میاندوآب

شهر امروز شاهد همسنگی

(حزب دمکرات) صورت گرفت. طبق اطلاع رسیده افراد مزبور از پیشترک‌های حزب دمکرات بوده‌اند. اقدام انقلابی نیروهای جنبش مقاومت در زمینه مجازات افراد فوق، باعث تحکیم هر چه بیشتر وحدت مبارزاتی خلق ترک، و کرد شد و در عین حال فشار داد که جنبش مقاومت کردستان هرگونه نجوازه به جان و مال زحمتکشان را به ویژه از سوی افراد پیشترکه، به‌شدت بدترین وجه مجازات می‌کند.

۲۳ اردیبهشت

سردشت به شبیه

در اینجا نیز جنگی خامانوسور بر خلق کرد محصل شده است. اکنون مدتها است که از آغاز جنگ می‌گذرد و در این مدت چه ها که بر زمین نریخت و چه خانه‌ها که بر سر پاکنش چه خانه‌ها که بر سر پاکنش ویران شد. پایگاه "کرتنه" همچنان در محاصره نیروهای پیشترکه خلق است. روحیه سربازان سوار متزلزل است. مردوران جانی در پادگان محصور دارند. این عناصر خودفروخته که تعدادشان به ۳۰ نفر می‌رسد سربازان را دلداری می‌دهند و آنها را به جنگ و آدمکشی تشویق می‌کنند. این هم از سهاک‌های مقامات دولتی است که از یک طرف به سناه خلق سلاح گروه‌های مسلح خلق‌ها را به خاک و خون می‌کنند و از سوی دیگر بیست تریس افراد - جاترها - را مسلح کرده به اسم پیشترگان سلطان کردند. به جان مردم می‌اندازند. در جریان روز و خوردی که اسف

سین نیروهای نظامی مسفر در پادگان و پیشترگان مسلح خلق روی داد یک پیشترکه شهید و ۳ پیشترکه زخمی شدند. در این میان یکی از جاتش‌های معروف به اسم "لاخس" شوه سلی" نیز زخمی شده است.

امروز هم چنین در درگیری‌های پایگاه "کرتنه" ۱۰ نفر (۸ زاندارم و ۲ جانی) کشته شدند.

۲۴ اردیبهشت

سردشت چهارشنبه

حلات هلی‌کوپترها ادامه دارد. ارتش و سپاه پاسداران همچنان به تهاجم ادامه می‌دهند. امروز در "وسط" هلی‌کوپترهای ارتش به‌جای حمله به سنگر نیروهای جنبش مقاومت مواضع نیروهای ارتش و سپاه پاسداران را به گلوله بستند. در این حادثه بیش از ۳۵ پاسدار و ارتشی کشته شدند. هم‌اکنون آب و برق شهر قطع است. سردشت یک شهر جنگ زده است. خانه‌های ویران، آثار گلوله و خنجره، گرسنگی، بیماری، فقدان امکانات اولیه و ... این است چهره‌ای که سیاست

حلقی ترک و کرد بود. مردم ماندوآب به خاطر اعتراض به محاصره اقتصادی شهرهای کردستان در فرمانداری متحصن شده‌اند و نهند کرده‌اند که اگر محاصره ادامه یابد تمام ماره‌های خود را تعطیل خواهند نمود. مردم سار شهر فلا نیز با اقدامات انقلابی خود از جواس‌های به حی و عادلانه خلق کرد حمایت کرده بودند و این خود منت محکمی است در دهان کسانی که می‌گویند با نغای آپکنی اتحاد انقلابی خلق را تضعیف کنند و آنها را در برابر دشمن مشترکشان دچار تفرقه سازند.

سندج

تهاجم سپاه پاسداران و ارتش همچنان ادامه دارد. امروز در درگیری‌های جواده "حسن‌آباد" و استانداری سیش از ۵ س از پاسداران کشته و عده‌ای مجروح شدند. امروز همچنین در "کردی کرول" بین نیروهای جنبش مقاومت و سپاه پاسداران درگیری پیش آمد که طی آن تعدادی از پاسداران کشته و زخمی شدند. در این جریان دو پیشترکه نیز به شهادت رسیدند.

میاندوآب

امروز در شهر میاندوآب حدود ۸۰۰۰ نفر از اهالی شهرها و روستاهای مختلف گرد آمده‌اند تا شاهد محاکمه دو تن از پیشترگان باشند. افراد فوق به جرم قتل یک هم‌وطن ترک میاندوآبی محاکمه و به اعدام محکوم شدند. حکم اعدام در ساعت ۳ بعد از ظهر در باغ "خانه بیپناهنگی" به اجرا درآمد. محاکمه توسط نیروهای سیاسی کردستان

جنگ افروزان از سرزمین کردستان می‌سازد. سرزمین صلح و کار، سرزمین دلاوران جان بر تک سرزمین مقاومت.

بانه

نیروهای پیشترکه به درون پادگان راه یافته‌اند. امروز نیروهای جنبش مقاومت موفق شدند تعدادی از سنگرهای داخل پادگان را به تصرف در آورند. هم‌اکنون بخش وسیعی از پادگان در تصرف مردم و پیشترگان است.

ماکو

از چندی قبل قرار بوده است که عده‌ای پاسدار را از این شهر به سندج اعزام کنند. لیکن به هنگام حرکت ۲۰ نفر از آنها از رفتن خودداری می‌کنند. خانواده‌های این افراد که همه از زحمتکشان روستاهای ماکر هستند در شهر جمع شده و از مقامات خواستارند که فرزندانشان را به کردستان نفرستند. جنگ افروزان و سرکوبگران خلق کرد باید بدانند که این تازه آغاز کار است. آنها برای همیشه نخواهند توانست با تبلیغات عوام‌فریبانه‌شان پاسداران را که بسیاری‌شان از طبقات محروم جامعه برخاسته‌اند فریبند و به کشت‌سار هم‌میشان خودوآدار سازند.

تقد

دشمن نیروهای مسلح خلق کرد با جاتش‌های مزدور درگیر شدند و ۲ تن از آنها را به هلاکت رساندند.

کرمانشاه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی‌کوپتر شوک پاسداران و نظامیان مجروح را به اسن شهر منتقل کردند.

اشنویه

اینجا نیز گرسنگی ناشی از کمبود آذوقه، بهداشت می‌کند. مقامات دولتی زحمتکشان را تا سرحد مرگ، گرسنگی می‌دهند. برآستی باید از آن پرسید اگر بنا به گفته خودتان در کردستان تنها عده معدودی از سازمانها و افراد مسلح هستند که مقاومت می‌کنند پس چرا آنها را در محاصره اقتصادی قرار داده‌اید؟ چرا آنها را گرسنگی می‌دهید؟ چرا خانه‌هایشان را فانتوم‌هلیتان درهم می‌کوبید؟ هم‌اکنون بیش از ۱۵۰۰ نفر از آوارگان روستاهای مختلف به شهر اشنویه پناه برده‌اند و از نظر مباحث عمومی در وضعیت بسیار سختی به سر می‌برند. بقیه‌در صفحه ۱۵

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

گرایشات آنارشیستی و سندیکالیستی "پیکار"

سازمان پیکار عمدتا در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتا از روشنفکران آماطور تغذیه می‌شود این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می‌پروراند و افراط‌هایی را به دنبال دارد که دائما و به سادگی به یکدیگر بدل می‌شوند، به نحوی که اگر در این حد افراط، روشنفکران به دنبال توده‌ها می‌افتند و در مقابل آنها سر فرود می‌آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می‌دانند در حد دیگر فرسنگها جلوتر از توده‌ها قرار می‌گیرند و به‌جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می‌زنند و این یعنی آنارشیسم.

می‌نویسد: عین همین وظیفه را هسته در قبال سندیکا هم دارد منتهی با این تفاوت که هسته با توجه به این که یک جمع سیاسی است (۱) فقط در رابطه با شورا می‌تواند حتی در فعالیت‌های آن شرکت هم داشته باشد. در حالی که با توجه به این که سندیکا یک تشکیلات صنفی است، هسته فقط بر کار آن می‌تواند نظارت و کنترل داشته باشد و دیگر لزومی به شرکت آن در فعالیت‌ها و امور سندیکا نیست. با چنین بینشی است که "پیکار"، ارگان سیاسی - تبلیغی سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به دوست‌داران آزادی طبقه کارگر و روشنفکران عرضه می‌شود. با این توضیح که: "ما بعد از این گوشش می‌کنیم که از طریق این نشریه، دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیروهای وابسته به آنها در رابطه قرار دارد، توضیح دهیم و موضع خود را نسبت به این مسائل در حد توان خود روشن کنیم."

و بدین ترتیب جنبه دیگری از اکتونومیسیم حاکم بر خود را به نمایش می‌گذارد: دید گروهی و منافع محفلی سازمان پیکار با انتشار روزنامه "پیکار" قصد آن را ندارد که وظایف و تعهدات خود را حداقل به عنوان روشنفکر انقلابی ناقل آگاهی پرولتاریائی به انجام رساند. قصد آن را ندارد که تبلیغ و ترویج ایده‌های پرولتاریائی را در دستور کار خود قرار دهد، قصد آن را ندارد که افشای سیاسی کند. او قصد آن دارد که دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائل توضیح دهد و موضع خود را نسبت به آنها روشن کند. و این کمال تنگ‌نظری و دید محدود و گروهی حاکم بر این سازمان است. برای پیکار در این مقطع توده‌ها "مطرح نیستند. خود او، موضع خودش و دیدگاه‌های خودش مطرح است. باید اعلان نمود که اکتونومیسیم حاکم بر پیکار اگرچه همواره همراه او و راهنمای عمل او بوده است (۱) اما در مقاطعی گسستگی‌هایی دارد و گامگاهی اصلاحاتی در مسیر انحرافی‌اش رخ می‌دهد. به عنوان مثال در پیکار شماره ۱۳ آنجا که بحث از قدرت دوگانه و ارگان‌های قدرت توده‌یی می‌شود نشانه‌هایی از تصحیح درک خود را نسبت به شوراها بروز می‌دهد. ولی انحرافات ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود. لنین علت "کرایش قهرجایی در بقیه در صفحه ۱۱

اکتونومیسیم ناب است. همان کارگردگی شایع و مسلط بر سازمان پیکار است. این دید سندیکالیستی است و از مفهوم مبارزه سیاسی فرسنگها فاصله دارد. این دید تفاوت بین شورا و سندیکا را نمی‌تواند درک کند. ممکن است فریاد اعتراض‌فرق‌ای پیکاری بلند شود که این مواضع مورد استناد مواضع آن سازمان نبوده است بلکه نظریات یکی از "حوزه‌های" آن سازمان بوده است (داستان "کارگر به پیش" هم از آن جمله داستان‌هایی است که فقط برای فرار از انتقاد اختراع شده است برای ما با توجه به مهارت "پیکار" در معلق زدن و رد مکانیکی نقطه‌نظرات قبلی خود با انتقاد از خود سطحی داستان "کارگر به پیش" همچنان در ابهام باقی مانده است). ما اعتراضی و رفقای پیکاری را درست نمی‌دانیم و نظر خوانندگان را به مقاله "وظیفه سندیکالیستی در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟" که در پیکار شماره ۳۳ به چاپ رسیده است جلب می‌کنیم.

در چنین شرایطی وظیفه شورا (مراد ما از شورای واقعی (!؟) نه شورای انقلابی لنینیستی، بلکه از نظر وظایف و مضمون همان سندیکای واقعی - سرخ - می‌باشد) یا سندیکای واقعی کارگران چیست؟ وظیفه شورا یا سندیکای واقعی کارگران عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه... از آنجا که شورا یا سندیکای واقعی کارگران، نماینده کارگران می‌باشد... آیا باز هم جای بحثی هست؟ شورا یا سندیکای واقعی، به عبارت صریح‌تر شورای سازمان پیکار همان سندیکای واقعی است، همان شکل صرفا کارگری، همان سازمان مبارزه اقتصادی فقط کارگران است و این محصول عدم درک مضمون شورای کارخانه که همانا اعمال قدرت توسط همه کسانی که در کارخانه شاغل هستند و به عبارت دیگر کنترل کارخانه است. به علاوه اکتونومیسیم حاکم بر سازمان پیکار همراه با سطح بائین‌ثوری یک جنبش بطور کلی و سازمان پیکار بطور اخص در مورد تشکیلات توده‌یی و هسته‌های سیاسی یا به عبارت دیگر هسته‌های کمونیستی کارخانه تا بدان حد است که "کارگر به پیش" در شماره ۳ خود (۱۵ فروردین ماه ۵۸) تحت همان عنوان "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" و هنگام صحبت از "هسته‌های سیاسی کارگران و وظایف آن" مهمترین وظیفه تشکیلاتی هسته "را" فعالیت در جهت تشکیل شوراهای کارگری می‌داند و

دیگر این ایده در سطح جنبش کمونیستی ایران جا افتاده است که "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" در جریان قیام اکتونومیسیم تمام عیاری را به نمایش گذاشت و در حالی که توده مردم به خیابان‌ها ریخته و به عالی‌ترین شکل مبارزه یعنی مبارزه قهر آمیز و مسلحانه پرداخته بودند، پیکاری‌ها آن چنان شیفته مبارزه اقتصادی توده کارگران شده بودند که حتی فرصت نگرستن به صحنه اصلی مبارزه را از دست داده بودند. آنها قاصراز درک درست سطح و شکل مبارزاتی خلق و نیز از وظایف محوله بر دوش پیشاهنگان طبقه مفتون اشکال نازل مبارزاتی کارگران (خواست‌های صنفی) شدند.

در چنین اوضاع و احوالی بود که سازمان پیکار یکباره خود را با قیامی شکوهمند روپرو دید. قیامی که علیرغم آنهمه شور و هیجان و اشتیاق مبارزاتی پرولتاریا که پیکاری‌ها را سخت‌گفت‌زده کرده بود، با دستاوردی در خور پرولتاریا به سرانجام نرسید.

سازمان پیکار که یکباره از خواب غفلت و خوش مبارزه اقتصادی بزریده بود، خود و پرولتاریا را عیب مانده می‌پند و می‌بیند که فرصت "افزایش حاصل انقلابی دولت از بالا" را از دست داده است و به دنبال طرح شعار شورا از جانب ما و سایرین راه چاره را در "نقار از بائین" و عمدتا از طریق شوراها می‌بیند و با طرح شعار "پیش به سوی سبیم شدن طبقه کارگر" در قدرت سیاسی! به کارگران توصیه می‌کند که "اصلی‌ترین وظیفه کارگران با تمام ضرورت و اهمیت خود" ایجاد شوراهای کارگری است. علاوه "اجاد شوراهای کارگری... اهمیت اساسی و تعیین کننده‌یی در سرنوشت طبقه کارگر و هم در سرنوشت توده‌های خلق ما دارد." سازمان پیکار در ارائه این رهنمود توجه قابل ستایشی هم بر دو شکل مبارزه اقتصادی و سیاسی در شورا دارد و از بیان این نکته نیز فروگذارد نمی‌کند. اما انحرافی که تمام بار و بود سازمان پیکار را فرا گرفته است ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود و جای دیگر خود را نشان می‌دهد. در متن همین مقاله که تحت عنوان اصلی "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" با نام "پیش به سوی تشکیل شوراهای کارگری" در شماره دوم "کارگر به پیش" چاپ شده است آنجا که از "نکاتی که باید در انتخاب نمایندگان شورا توجه کرد" صحبت می‌کند کارگر زدگی خود را باز دیگر به عیان بروز می‌دهد و می‌نویسد: "شوراها فقط کارگری است و به هیچ وجه کارکنان دیگر نباید در آن شرکت کنند. یعنی حتی حق رای هم ندارند چه رسد به اینکه برای شورا انتخاب شوند. با این تعریف شوراها دارای دو خصوصیت هستند یعنی کارگری و دیگری واقعی بودن آن. که وظیفه‌شان دفاع از منافع و حقوق کارگران و مبارزه در راه رسیدن به خواست‌های سیاسی و اقتصادی کارگران می‌باشد. فقط کارگر است که درد کارگرا می‌فهمد و کارمندان باید برای خود شورای کارمندی جدا از شورای کارگری تشکیل دهند." و این همان

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

گرایشات آنارشیستی ...

بقیة صفحه ۱۰

سوسیال دموکراسی روسیه (اکنونومسم) را چنین توضیح می‌دهد:

"گسترش تبلیغ، سوسیال دموکرات‌ها را با قشر عقب‌مانده و تحتانی پروولتاریا روبرو کرد. برای جلب این قشر لازم می‌آمد که مبلغ خود را به نازلترین سطح شعور وقف دهد. او آموخت که "خواست‌ها و ملاحظات لحظه‌ای مشخص را به پیش کشد و ایده‌آل‌های سوسیالیسم و مبارزه سیاسی را عقب راند. طبیعت فعالیت آماتوری و ناقص سوسیال دموکرات‌ها، روابط بسیار ضعیف میان محفل‌های آموزشی در شهرهای مختلف و بین سوسیال دموکرات‌های روسیه و رفقایشان در خارجه که دانش ژرف و تجارب انقلابی غنی‌تر و نیز افق سیاسی وسیع‌تری را دارا بودند طبیعت این جنبه (مطلقاً اساسی) فعالیت سوسیال دموکراتیک را بطرز مبالغه‌آمیزی عمده نمود که به افرادی امکان آن را می‌داد که جوانب دیگر را به فراموشی سپرده ..."

حال اگر توجه کنیم که سازمان پیکار عمدتاً در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتاً از روشنفکران آماتور تغذیه می‌شود در می‌یابیم که این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می‌پروراند و افراط‌هایی را به دنبال دارد که دائماً و به سادگی به یکدیگر بدل می‌شوند. به نحوی که اگر در این حد افراط روشنفکران به دنبال توده‌ها می‌افتند و در مقابل آنها سر فرود می‌آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می‌دانند، در حد دیگر فرسنگها جلوتر از توده‌ها قرار می‌گیرند و به‌جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می‌زنند و این، یعنی آنارشیسم بر آن وجه دیگر فعالیت پیکاری‌هاست که در کنار و به موازات وجهی که از آن سخن گفتیم دیده می‌شود. البته باید در نظر داشت که در لحظات متفاوت یکی از این دو وجه اکنونومسم یا آنارشیسم غالب است.

توجهی از گزارشات چاپ شده در این نشریه تحت عنوان "جنبش کارگری" تأکید و حتی تبلیغ پرشور حرکات و اعتراضاتی است که بریستر خواست‌ها و نیازهای طبقه کارگر و نیز اعتراضات و مبارزات آنها توسط عده‌ای محدود از کارگران آگاه و مبارز و بدون انطباق با سطح آگاهی و مبارزاتی توده کارگران ایجاد شده است و عملاً هم در اکثر موارد به شکست انجامیده است. (گزارشات استرالایت، شادانپور، ایرانا، مینو نازخ و ...) نمونه جالب را می‌توان در "گزارشی از تصرف انقلابی یک ساختمان ۹ طبقه

● اگر در روزهای قیام، اکنونومسم ناب، پرچم پیکار بود، اکنون آنارشیسم ناب پرچم رزم سازمان پیکار است. آنگاه که توده‌های مردم در کوچ و خیابان‌ها گوگتل مولوتف می‌ساختند او سرگرم چانه‌زنی بر سر اضافه حقوق بود!

در خیابان آزادی توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر" در پیکار شماره ۴۰ یافت. در مورد این ساله که "تصرف انقلابی" ساختمان "توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر برای خود این زحمتکشان گود نشین به چه صورت و تاجه اندازه مطرح بوده است همین بس که برای حفظ ساختمان تداومی از خود نشان ندادند. ثانیاً یکی از گوندشبان جوان که در تصرف ساختمان نقش داشت، در پاسخ پاسداری که از او پرسید چرا اینجا را گرفتید چنین جواب داد:

"والله آمده بودند و گفته بودند که خانه‌های بالای شهر خالی است! آیا نمی‌خواهید در آنها زندگی کنید؟ اگر می‌خواهید بجنبید و ما هم آمده بودیم. علاوه عدم توجه به سطح واقعی مبارزات

● پیکار تنها ناتوانی عظیم خود را در درک قانونمندی مبارزه توده‌ها به نمایش می‌گذارد و از گسترش و چگونگی گذار مسالمت‌آمیز مبارزات توده‌ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی‌داند. و همواره آماده است که قهر پیش رس و عصیانیت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده‌ای بنشاند.

● حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده‌اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه‌دار، متشکل کند و به تدارک بپردازد "پیکار" بی‌تابانه انفجار فشفشه‌های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پروولتاریا می‌نامد و گودخانه اعلام می‌دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود ...!"

کارگران و اتحاد تاکتیک برپایه آن و ایجاد "تشکیلات کارگری از بالا" از دیگر جنبه‌های بروز و نمود این طرز تفکر است. "طرح تشکیلاتی کارگران پیکار" که در پیکار شماره ۱۳ ارائه شده است به خوبی این شیوه کار را نشان می‌دهد. توجه کنید:

"به دلیل عدم وجود تشکیلات سراسری کارگری، کارگران پیکار کارخانه‌یی، کارگاهی و یا حتی پروژه‌یی، می‌توانند و باید در یک "کانون سراسری کارگران پیکار" گرد آیند. لیکن لازم است که همراه و همزمان با تشکیل کانون سراسری کارگران پیکار، کارگران مناطق مختلف، اقدام برای ایجاد کانون منطقه‌یی خاص خود بنمایند. این "کانون منطقه‌یی

به آنارشیسم و چپ‌روی سازمان پیکار بپردازیم که فعلاً به نظر می‌رسد جنبه غالب انحراف آن باشد:

تصور می‌کنیم خوانندگان نشریه "پیکار" با ما در این مورد اتفاق نظر داشته باشند که عباراتی چون "امروزه تقریباً تمامی کارگران به این حقیقت پی برده‌اند. که سرمایه‌داران با کمک دولت حامی‌شان" (شماره ۲۲) به دفعات و مکرراً به جا بی‌جا در متن این نشریه، کار گذاشته شده است. در پشت چنین عباراتی همان ایده فرسنگ‌ها جلوتر از توده‌ها بودن و ذهنیت خود راهمان ذهنیت‌آنها دانستن قرار دارد. این نقطه نظر به میزان زیادی در اخبار و گزارشات این نشریه منعکس است. به نحوی که میزان قابل

تمام کارگران پیکار آن منطقه را در بر می‌گیرد ... در صورتی که کارگران پروژه‌های، سندیکا و یا اتحادیه خاصی خودشان را نداشتند، می‌توانند از طریق نمایندگان خود در کانون شرکت کرده، از این طریق و با استفاده از کمک‌های کانون به ایجاد سندیکای خود اقدام نمایند.

از این جملات هر خواننده اندک آگاهی متوجه می‌شود که "چون تشکیلات کارگری نداریم" آن را از بالا و در محل مورد نظر خودمان، محل تجمع روشنفکران انقلابی (که در آن زمان "خانه کارگر" بود) به وجود می‌آوریم. سازمان پیکار با طرح این شیوه ایجاد تشکیلات کارگری این مسئله را نمی‌فهمد که چون "تشکیلات کارگری نداریم" به عنوان روشنفکران انقلابی موظفیم با شرکت در مبارزات روزمره کارگران و با افشاکاری اقتصادی و سیاسی و تبلیغ لزوم و اهمیت سازماندهی و تشکیل سطح آگاهی آنان را ارتقاء دهیم و حرکات و اعتراضات کارگران را در تشکیلاتی مناسب و منطبق با تجربیات کارگران سازمان دهیم و نه اینکه "چون تشکیلات کارگری نداریم" به جای توده کارگران، روشنفکران انقلابی و یا در بهترین حالات کارگران آگاه و مبارز (و نه توده کارگران) را در محلی جمع کنیم و منتگشان نامیم و بر آن نام "تشکیلات سراسری کارگران بگذاریم تا بتوانیم با پنهان شدن، در پشت آنها، به جای پروولتاریا و در عوض آنان ذهنیات خودمان را تبلیغ و به توده‌ها تحمیل کنیم.

حالب اینجاست که در شماره ۲۷ (هفده دیماه ۵۸) پیکار تحت عنوان "ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بنسبیم" که از نخستین شماره "پیک پوشش" نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوشش نقل شده است، به این نحوه سازماندهی و شکل (ازبالا) جواب می‌دهد (مسئله ناآگاهانه، چون حرکات آگاهانه پیکار خلاف آن را ثابت می‌کند):

"اصولاً کنفدراسیون" (بخوان تشکیلات سراسری - کانون سراسری) باید چگونگی تشکیل شود؟ کارگران باید اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحاد این سندیکاها، اتحادیه‌های کارگری به وجود آید و بالاخره کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند ... در جلسه‌یی که مسئولان به اصطلاح کنفدراسیون تشکیل دادند، کارگران سؤالاتی کردند که کاملاً ماهیت کنفدراسیون‌چی‌ها را روشن کرد. آنها را رسوا ساخت. یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکا‌های کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان و بدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده‌اید ... نماینده این کنفدراسیون ضدکارگری جواب داد: چیزهایی که شما گفته‌اید وقت زیادی می‌گیرد و چند سال طول می‌کشد. ما یک‌باره آمده‌ایم کنفدراسیون کارگری ایران را به وجود آورده‌ایم بعداً می‌توانیم سندیکا و اتحادیه به وجود آوریم!"

در پایان باید اضافه نمود که تداوم حرکات چپ و حتی تشدید این حرکات توسط این سازمان نکته‌یی است که به روشنی می‌توان بر آن انگشت گذاشت. نمونه بارز و برجسته و جدید آن تصویری است که "پیکار" شماره ۴۹ از گروگانگیری کارگران مینو ترسیم کرده است:

"گروگان گیری سرمایه‌دار خصوصی وابسته: بدین ترتیب کارگران یکی از بزرگترین سرمایه‌داران خصوصی وابسته را ..."

بقیة در صفحه ۳

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

۴۲ سال قبل صهیونیستهای اسرائیلی به کمک کشورهای امپریالیستی سرزمین فلسطین را اشغال کردند

اما سرانجام:

خلق قهرمان فلسطین است که پیروز خواهد شد

۱۵ ماه ۵۸ سالروز تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ هجری شمسی) و تشکیل دولت زادپرست اسرائیل در سرزمین فلسطینی هاست. جنگ جهانی اول منجر به قطع تسلط امپراطوری عثمانی بر فلسطین شد اما دولت انگلیس توانست توسط جامعه ملل تحت الحماکتی این سرزمین را برای خود دست آورد امری که تا سال ۱۹۴۸ همچنان برقرار ماند.

در فلسطین، هر خانه، اداره، مدرسه و هرکجای نقطه این خاک، سنگری است برای مبارزه. عکس، رزمندگان جوان را در حال آموختن اسلحه نشان می دهد که آتش گلوله های آن قلب محترف امپریالیسم امریکا را نشانه گرفته است.

در اردن در این مورد نمونه است. دیگر اینکه دشمن، یعنی صهیونیسم و دولت اشغالی دارای نزدیکترین پیوند ممکن با دولت ایالات متحده است بطوری که اسرائیل بدون کمک امریکا نمی تواند روی پای خود بایستد. از طرف دیگر دولت امریکا نیز

در اردن در این مورد نمونه است. دیگر اینکه دشمن، یعنی صهیونیسم و دولت اشغالی دارای نزدیکترین پیوند ممکن با دولت ایالات متحده است بطوری که اسرائیل بدون کمک امریکا نمی تواند روی پای خود بایستد. از طرف دیگر دولت امریکا نیز

جبهه برقرار باشد. دوم اینکه برنامه مشترک می بایست آنچنان برنامه میهن پرستانه ای باشد که هیچگونه راه گریزی برای بورژوازی در آن وجود نداشته باشد که امکان دهد این طبقه با سازش طرحهای ساخته و پرداخته امپریالیسم، انقلاب را به نابودی بکشاند. سوم آنکه حزب طبقه کارگر مبارزه ای اصولی را در داخل جبهه به منظور بسط و تکامل برنامه مشترک به کار بندد. و بالاخره خصوصیت چهارم اعمال اصول دمکراتیک در روابط بین نیروهای گوناگون موجود در جبهه است.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین شرط پیروزی بر دشمن را جنگ دراز مدت نوده ای می داند. جنگی که توسط جبهه خلق سازماندهی و رهبری می شود. اما در مورد جبهه خلق معتقد است که این هدف استراتژیکی است که برای رسیدن به آن باید مبارزه کرد. اما این امر به هیچوجه از اهمیت چنین جبهه ای جتنی قبل از تأمین حزب پیشاهنگ در آن نمی گاهد.

امپریالیسم و صهیونیسم همواره تلاش می کنند تا نیروهای گوناگون مقاومت را از یکدیگر پراکنده سازند. اما نیروهای انقلابی و به ویژه طبقه کارگر موظف است حداکثر تلاش را برای بسیج هرچه بیشتر مردم فلسطین و تأمین بالاترین سطح وحدت ممکن در بین آنان بنماید. حتی در زمانی که هنوز انقلاب به عهده دارد. خلق فلسطین تا پیروزی نهایی هنوز راه درازی در پیش دارد. اما از هم اکنون نشانه هایی از شکست دشمن به چشم می خورد. اردوگاه امپریالیسم با بحرانی اقتصادی مواجه است و دولت صهیونیستی اسرائیل هم بعنوان جزئی از این سیستم از عوارض این بحران در امان نیست. اما قابل توجه این است که شدت بحران در اسرائیل به مراتب بیشتر است. تورم در اوایل سال جاری به حدود ۱۰۰٪ رسیده. اعتصابات در کشور افزایش می یابد و ارزش پوند اسرائیلی به سطحی که تاکنون سابقه نداشته است تنزل کرده است. بقیه در صفحه ۱۴



از بورژوازی ملی، به ویژه در مناطق اشغالی، تضادی آشفتنی ناپذیر دارد این است پایه عینی برای اتحاد وسیع طبقاتی اتحادی برای مقابله با دشمن در شکل جبهه متحد ملی که شامل تمامی احزاب و سازمانهای نماینده این طبقات، نیروهای گوناگون ملی و سازمانهای خلقی (اتحادیه های زنان، دانش آموزان، دهقانان و کارگران) می شود.

عمده ترین اهرم اعمال قدرت سیاسی - نظامی و اقتصادی خود را در منطقه در وجود اسرائیل می بیند. بنابراین پیروزی خلق فلسطین ضربه مهلکی بر امپریالیسم امریکا بطور کلی سیستم امپریالیستی جهانی خواهد بود و بارهم به همین دلیل است که مبارزان فلسطینی باید انتظار مقاومتی طولانی از جانب دشمن را داشته باشند، مقاومتی که سرانجام با نابودی اسرائیل و اختصار امپریالیسم روبرو خواهد شد.

و پذیرش جهانی را برای این خلق رزمنده تأمین کند مهمتر اینکه امید آنها را به پیروزی احتساب ناپذیرشان نه بر پایه ای واهی بلکه بر اساس واقعیات موجود و ارزیابی نیروهای خودی و دشمن و نیروهای ذخیره هرکدام افزایش داده است.

خلق فلسطین در مبارزات طولانی خود و به ویژه در ۱۵ ساله اخیر بیش از پیش به حکم ضرورت پی برده است که پیروزی بر دشمن غدار جز با وحدت کلیه نیروهای خلقی امکان پذیر نیست. نیروهایی که با وجود اختلاف منافع طبقاتی و مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی، در مبارزه با دشمن مشترک می توانند و باید متحد شوند. جرح حبش دیرکل جبهه

مبارزان فلسطینی بر اساس خصایل عام و مشترک با دیگر جنبشهای آزادیبخش از تجارب آنها درسهای زیادی آموخته اند. بسا اینهمه خصوصیات استثنائی مبارزه خلق قهرمان فلسطین را از دیگر جنبشهای رهائیبخش ممتاز می کند. اول اینکه این خلق عمدتاً نه در سرزمین مادری بلکه عموماً در خارج از میهن خود بسر می برند. این امر پیوند بسیار نزدیک و ضروری را میان جنبش فلسطین و نیروهای مترقی کشورهای میزبان ایجاد می کند. بطوری که پیروزی مردم فلسطین با امر انقلاب در این کشورها به هم گره خورده است. کشتار مبارزان

در ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸ دولت اسرائیل بر مسای این طرح تشکیل شد. در این فاصله مخالفت اعراب به صورتهای گوناگون و پراکنده بود و منجر به کشته شدن هزاران تن و سیرور رانده شدن بیش از یک میلیون نفر آنها از سرزمین اجدادی شان گردید. آنها تا مدتها چشم به اقدامات دولتهای عرب و سازمان ملل متحد برای احقاق حقوق خود دوخته بودند و زندگی سختی را در اردوگاههایی که بسرعت در کشورهای عرب تدارک دیده شده بود، می گذراندند. سالها با نام آواره و مسئله اشغال میهنشان تحت عنوان مسئله آوارگان در مجامع بین المللی مطرح بودند اما

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم امریکا



بقیماز صفحه ۱۱

گرایشات آفارشیشستی و...

گروگان گرفتند... این بزرگترین مبارزه کارگران کارخانه مینو در طی بیست سال عمر کارخانه بود... چهارشنبه ۱ اسفند ۵۸ خبر رسیده بود که چند تن از عوامل کارفرما شروع به توطئه نموده و می خواهند کارمندان را به اعتصاب وادار کنند و جریان مثل جریان خرمدره درست کنند. بلافاصله از طرف دفتر هماهنگی حکم بازداشت آنها صادر شد... در این روز انتظامات منظم تر و عالی تر از روزهای قبل بود. از طرف خود کارگران افسر گشتیک تعیین شد. و به نوبت هر ۶ ساعت به ۶ ساعت پستها تعویض می شد. در ضمن از طرف دفتر هماهنگی اسم شب تعیین شد و اسم به کارگرانی که در شب گشت می دادند یاد داده شد تا افراد غریبه و غیر محسوس شناسائی گردند. همچنین در پستهای حساس مثل پمپ بنزین، موتورخانه، افراد بیشتر و هوشیارتری به نگهبانی گماشته شدند. تمام پستها و تابلوهای برق کاملا محافظت می شد... در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود... یکشنبه ۱۲/۵ کارگران آن روز چوب و لاستیک آماده کرده بودند تا در مقابل گاز اشک آور و نبرد تن به تن آماده باشند. آنروز کارگران بنزین، شیشه و روغن آماده کرده بودند، آنروز کارگران کوکتل مولوتف درست کرده بودند تا در صورت حمله مقابله کنند! آری آنروز سطح بالای مبارزات کارگران ایران که بطور خودبخودی دست به مقاومت مسلحانه می زنند به نمایش گذاشته شد.

(تاکیدات از خودنشریه بیکار است) به این می گویند تبلیغ سوسیال دموکراسی ناب! کوئی "بیکار" می خواهد تلافی عدم حضورش در قیام را در آورد. اگر در روزهای قیام انکوئیسیم ناب، پرچم بیکار بود اکنون آنارشیزم ناب پرچم رزم سازمان بیکار است! آنگاه که توده های مردم در کوچه و خیابانها کوکتل مولوتف می ساختند او سرگرم چانه زنی بر سر اضافه حقوق بود و حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "بیکار" بی تابانه انفجار فشفشه های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می نامد و کودکانه اعلام می دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!" "بیکار" تنها ناتوانی عظیم خود را درک قانونمند مبارزه توده ها به نمایش می گذارد و از گسترش و چگونگی گذار سلامت آمیز مبارزات توده ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی داند و همواره آماده است که قهر پیشرو و عصیبت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده ای بنشاند. مواضع "بیکار" در جریان تهاجم به دانشگاهها گواه دیگری بر این حقیقت است. "بیکار" تنها ماجراجوئی انقلابی روشنفکران خرده بورژوا و آفارشیشستی را که بدان مبتلا است با روشنی به نمایش می گذارد و آن را اثبات می کند.

صفحات ۵ و ۶ "کارگر به پیش" شماره ۲

توطئه اخراج کارگران و ضرورت اتحاد کارگران رسمی و پیمانی در مقابل آن

کارگران پیمانی در چنین شرایطی موفق شدند با طرح خواستهایی از قبیل:

- ۱- استخدام رسمی
 - ۲- سود ویژه
 - ۳- عیدی
 - ۴- پرداخت حقوق روزهای تعطیلی
- و... به برخی از این خواستها برسند. کارگران به کار بازگشتند و جو عمومی اعتراضات فرو گتن کرد. مدیرعامل توانست (با اتکای قانون کار) طرح توطئه جدیدی را بریزد. او شروع به اخراج کارگران پیمانی نموده و روزانه ۲۰ تن از آنان را اخراج می نمود.

پس از چندروز بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج می کنند. از اواش... اردیبهشت سال قبل، حدود ۳۵۰ کارگر پیمانی مشغول به کار شدند. مدیرعامل کارخانه (ایرانطلب) با اطلاق موقت و روزمزد بودن (پیمانی بودن) می خواست از یکطرف هروقت که اراده کرد بتواند کارگران را اخراج کند و از طرفی حقوق و مزایای کارگران رسمی را به آنان نپردازد. او زیر چتر حمایتی قانون کار ضد کارگری و به ویژه ماده ۳۳ این اقدامات ضد کارگری را انجام می داد. کارگران پیمانی به واسطه پایگاه روستائیان و به ویژه موقتی بودنشان، نتوانستند به اتحاد و تشکیلی پایدار (در برابر این اجابفات کارفرما و قانون کار) دست یابند و کارفرما نیز متقابلا با اخراجهای پیاپی به این عدم تشکل کارگران دامن می زد تا اینکه در اسفند ماه گذشته به دنبال اعتراضات کارگران رسمی به نحوه پرداخت سود و عیدی و... زمینه مناسبی فراهم شد تا کارگران پیمانی هم بتوانند بطور یکپارچه حرکت کرده و از میان خود ۵ تن را به نمایندگی برگزینند

مدتی است که مسئله اخراج کارگران (رسمی و پیمانی) رو به افزایش گذاشته است. این امر از یک طرف مستقیما به گسترش دامنه بیکاری انجامیده و از طرف دیگر با پیاپی افزایش هزینه زندگی و گرانی و کمبایی کالاها مورد نیاز عامه مردم، دورنمای تیره ای را در زندگی توده کارگران بیکار ترسیم می نماید. اخراج کارگران پیمانی عمده ناشی از دو مسئله است:

- ۱- توطئه طبقه سرمایه دار و عواملش در کار تولید و اداره کارخانه ها، با بهره برداری از قوانین ضد کارگری موجود (که میراث دوره آریامهری است)
 - ۲- ضعف تشکل و آگاهی کارگران (به ویژه کارگران موقت) در امر مبارزه با سرمایه داران و قوانین ضد کارگری حامی آنها.
- حاکمیت قوانین ضد کارگری موجود و به ویژه قانون کار مشخص دست کارفرما را باز می گذارد تا با اتکای به آن بتواند کارگران را به آسانی اخراج نماید. این "حقی" که قانون کار و دولت به سرمایه دار می دهند به نحو موثری دامنه اخراج کارگران را گسترش می دهد و کارگران را گروه گروه به صفوف میلیونی بیکاران می افزاید. با توجه به این مسئله، چگونگی برخورد کارگران نیز در مقابل اخراج می تواند عمده تا دو جنبه داشته باشد:

- ۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار و دیگر قوانین تفرقه افکن و

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

نامه یکی از هواداران

از عشق و فداکاری زحمتکشان نیرو بگیریم

آنچه که در زیر می آید، گوشه‌هایی از خاطرات زحمتکشان است که با عشق و ایمانی تزلزل ناپذیر به رهبری زحمتکشان از استعمار و ستم طبقاتی گار و مبارزه می‌کنند و با ایثار و آگاهانه و ستایش انگیز راه مبارزه برای زندگی نوین را در پیش گرفته‌اند. آنچه که می‌خوانید، نوشته‌ای است که یکی از رفقای هوادار برایمان فرستاده است:

دستی روی شانه‌اش می‌زنم و سلام می‌کنم. به آرامی برمی‌گردد و بکمرتبه با خوشحالی مرا در آغوش می‌گیرد. شروع می‌کند به درد دل: "خوب شد آمدی، قلم داشت می‌ترکید. این حاجی را دیدی؟" گفتم: "بله، همه صحبت‌هایت را هم شنیدم" گفت: "داشتم حساب می‌کردم که این آدم روزانه چقدر عایدی دارد، فقط از همین سه دستگاه که حساب کنیم یعنی توی ۷۰ متر زمین ۲۵۰۰ تومان درآمد مفت دارد تازه هنوز این از اون کله کنده‌هاش نیست. حالا ببین سرمایه‌دارهای کله کنده دیگر چه زندگی ای دارند و بعد با زندگی ما مقایسه‌اش کن که هر روز باید نگران نان شب‌مان باشیم این وضع تا کی باید دوام بیاورد؟ رفیق کارگری دارم که همیشه به من می‌گوید: "این وضع زیاد دوام نمی‌آورد چون مردم دارند راه مبارزه کردن را یاد می‌گیرند، سرمایه‌داری کلکش کنده است آن وقت اوضاع سر و سامان بعد رفیق دستفروش چهره‌اش باز می‌شود و با امید و اشتیاق به من می‌نگرد و من نیز تأیید می‌کنم که بله همانطور می‌شود که رفیق کارگران می‌گوید. بعد مرا کنار دستش می‌نشاند تا از این رفیق بیشتر برابم صحبت کند. او تعریف می‌کند: "این رفیق که سالهای سال در کوره یز- خانه‌ها، کارخانه‌ها و ... کار کرده بود و در همین اواخر نیز کارگر یکی از کارخانه‌های تبریز بود. به شدت به سازمان فدائی علاقمند است و عشق می‌ورزد از آن بیشتر از نظام سرمایه‌داری نفرت دارد. این رفیق من بخاطر فعالیت‌های زیادش و اینکه در کارخانه در مقابل زورگویی‌های کارفرما مقاومت می‌کرد، او را از کارخانه اخراج کردند. او با جدیت توانست حق اخراج خودش را از اداره کار بگیرد و درآمدت بیکاری زندگی‌اش را از همین پولی که گرفته بود بگذراند. رفیقم عادت داشت همیشه یک مقدار از درآمدش

را حالا هر چقدر کم یا زیاد به سازمان فدائی بدهد. روزی به زنتش گفته بود: سازمان حتی بیشتر از من و تو به این پولها احتیاج دارد چون در راه سعادت ما و فرزندانمان مبارزه می‌کند. آخرین بار که او را دیدم، مشغول دستفروشی بود. او به من گفت: "ما زحمتکشان به سازمان مدیونیم ... و اضافه کرد: "من هرچه بفروشم خرج روزانه خودم و زن و بچه‌هایم را برمی‌دارم و بقیه را به سازمان می‌دهم. علاوه بر آن به محله‌های فقیرنشین هم تروم و مردم را به راه فدائیان خلق آشنا می‌کنم و از آرمان کارگران دفاع می‌کنم. رفیق دستفروشی من در حالیکه فظروای اشک در چشمش نشسته بود، لبخند تلخی زد و گفت: "راستی من امروز نتوانستم چیزی بفروشم" ساکت شد و به فکر فرو رفت. پادم آمد که او چند روز پیش برای دیدن زن و بچهایش به تبریز رفته بود. از حال آنها پرسیدم. گفت: "زمن مریض است پول دوا و دکتر کم داشتم و برگشتم چند روزی شلاقی کار کنم و بعد بروم تبریز، برمش دکتر ولی انگار همه درها به رویمان بسته است و باز ساکت شد. غم و درد چهره مهربانش را پویانده بود. به من نگاه کرد و چون ناراحتی مرادیش شروع به خندیدن کرد تا به من دلداری داده باشد ولی اندوه و درد را در خنده‌اش نیز می‌دیدم هوا تاریک شده بود. با کمک یکدیگر ساطش را جمع کردیم. در حین جمع‌آوری وسایل گفت: "می‌خواهم از این به بعد من هم هرچه فروختم سهمی از آن را برای سازمان بفروشم. امید و آبنده ما همین است." بعد رو کرد به من و گفت: "تو میتوانی مقابل زورگویی‌های کارفرما مقاومت می‌کرد، او را از کارخانه اخراج کردند. او با جدیت توانست حق اخراج خودش را از اداره کار بگیرد و درآمدت بیکاری زندگی‌اش را از همین پولی که گرفته بود بگذراند. رفیقم عادت داشت همیشه یک مقدار از درآمدش

۲۲ سال قبل صهیونیستهای ... بقیماز صفحه ۱۲

بیشرفت جنبش مقاومت فلسطین اثرات تشدید کننده‌ای در بحران برجای می‌گذارد. دولت صهیونیستی اسرائیل برای مقابله با جنبش مقاومت فلسطین و پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه خود سالانه میلیاردها دلار صرف خرید تلاح‌های بیشتر می‌کند. از طرف دیگر اعتباراتی که از کشورهای امپریالیستی برای اجرای برنامه‌های نظامی و مستعمراتی گرفته می‌شود دارای بازدهی مالی نیست و در نتیجه باعث رویهم انباشته شدن قرض و افزایش مشکلات اقتصادی می‌شود. ما اطمینان داریم خلق فلسطین با مبارزات درخشان خود راه خویش را به سوی پیروزی نهایی می‌کشاید و این امر با وجود کارشکنی‌ها و نفاق‌افکنی‌های جریان‌های ارتجاعی مانند امل که روز بروز ماهیتش برای مردم فلسطین بیشتر آشکار می‌شود ادامه خواهد یافت. آنها در این مبارزه تنها نیستند. تمام نیروهای ضد امپریالیست و صلح‌دوست جهان، کشورهای

قابل توجه رفقا! با توجه به این که گاهی فاصله زمانی ارسال کمک‌مالی از جانب شما تنظیم و چاپ کد + مبلغ در "کار" به دو یا سه هفته می‌کشد، در صورت چاپ نشدن "کد+ مبلغ" خود بعد از سه هفته در این مورد تذکر دهید.

کمکهای مالی دریافت شده

Table with multiple columns containing names and amounts of financial aid received. The table is organized into several columns with headers like 'نام' (Name) and 'مبلغ' (Amount).

چهارشنبه
سال دوم
چهارشنبه
۱۲۶
سند
ارتش
وارد شهر
کرد از ش
پیرامون ش
شهر سند
خود گرفته
در دست
دست به
سرکوبگران
تاریخ ۲۲
سئون ارت
بو سست
حمله پست
جمعا در
نانک در
ورودی از
باجود
باجداران
وارد شهر
و تلفن در
منازعه‌ها
مردم شهر
مخالفت
وجود ارت
شهری
دسته‌های
دادماند
سرد
می‌زنند
باجداران
قرار می
جوانان د
همچنان د
کرمان
فرماند
کرمانشاه
رفتن به
برگزارش
پیروز
در از
دوآب به
نظامی ک
شدند.
قصه د
منسقر ش
۲۷
سند
ارتش
سند
می‌کنند
عوض ک
به طره
دبوارها
می‌سپا
تاکت‌ها
رعب در
نرواورد
این
تائیری
تائیر
چهارها
دست
آنها
سرکوبگر
شود
می‌خوان
گردماند



روزهای خلق فدائیان
و دوربرد دشمنان مردم تسلیم پذیر نیستیم

گرامی باد خاطره رفقای شهید اردیبهشت ماه

هرماه برای سازمان ما، ماه شهادت، ماه مقاومت و ماه فداکاری در راه رهایی خلق است. خاطره رفقای که در سالیان ستم و دیگتازی، دلاروانه بپا خاستند و با نثار خون خود آرمان وفاداری و ایثار در راه خلق را آموزش دادند، بدون تردید همیشه ماندنی است. خاطره شهدای اردیبهشت ماه را گرامی میداریم اساسی بقاشی که در اردیبهشت ماه به شهادت رسیده اند:

- علی اکبر جعفری
- مریم پنجه شاهی
- فرزاد دادگر
- کاظم سعادت
- محمدرضا قنبر پور
- عزت غروی
- هادی فرجاد
- جهانگیر باقری پور
- فریده غروی
- حسین قاضی
- ارزنگ شایگان
- میترا بلبل صفت
- شیرین فضیلت کلام
- ناصر شایگان
- فرهاد صدیقی پاشائی
- لادن آل آقا
- محمود نمازی
- مهدی حاتمی
- احمدرضا قنبر پور
- زهرا مدد پور شانه چی
- بهروز دهقانی
- بهروز احمدی اسکویی
- بهروز ارهقانی
- اسماعیل عابدی
- خلیل سلماسی نژاد
- قربان علی زرکاری
- لادن آل آقا
- احمدرضا قنبر پور
- زهرا مدد پور شانه چی

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به کمیته مرکزی حزب کمونیست و یتنام

به مناسبت:
نودمین زادروز رفیق هوشی مین - پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ویتنام سی و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام و پنجمین سالگرد پیروزی کامل انقلاب در جنوب

رفقا، سلامهای گرم ما را به مناسبت فرا رسیدن سالگرد این روزهای تاریخی که نقاطی درخشان در تاریخ مبارزات حماسی خلق برادر ویتنام علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و در جهت رسیدن به صلح، دموکراسی و سوسیالیسم می باشد بپذیرید.

حزب کمونیست ویتنام به رهبری رفیق هوشی مین با درک عمیق مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن بر شرایط ویتنام و مبارزه با انحرافات گوناگون در جنبش کمونیستی ویتنام و جهان، توانست انقلاب ویتنام را به پیروزی کامل رسانیده، کشور را متحد ساخته، گام های عظیمی در راه ساختن سوسیالیسم، دفاع از میهن سوسیالیستی و اجرای وظایف انترناسیونالیستی خویش بردارد.

خلق قهرمان ویتنام امسال در شرایطی سالگرد این روزهای تاریخی را جشن می گیرد که در کشور خود گام های عظیمی در جهت پیشرفت اجتماعی، برقراری صلح، دموکراسی و ساختمان سوسیالیسم به جلو برداشته است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام تحت رهبری حزب برافراشته کمونیست با برافراشتن پرچم انترناسیونالیسم پروлетری، سهم عظیم خود را در پیشبرد انقلاب جهانی ایفا نموده است و مورد مباحثات کمونیست های سراسر جهان می باشد. طبقه کارگر و خلق های سراسر جهان و منجمله ایران همواره از مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر و مردم ویتنام در مبارزه انقلابی خود الهام گرفته و درس های آن را در مبارزات خود به کار بستند.

رفقای ویتنامی!
مردم ما اینک از هر سو با تجاوزات و توطئه های امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن روبرو است ما به پیروزی مردم خود بر امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن ایمان داریم. شما بدون تردید خروش مردم ما را که در عین حال صدای همبستگی آنان با خلق قهرمان ویتنام است شنیدماید. ما یک بار دیگر با خرسندی این پیام را برای شما بازگو می کنیم: "امریکا تو خالیست، ویتنام گواهیست"

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن ابراز همبستگی انترناسیونالیستی خود با جمهوری سوسیالیستی ویتنام موفقیت های بیشتری را برای خلق قهرمان ویتنام و حزب شما آرزو می نماید.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ - نودمین زادروز رفیق هوشی مین - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اعدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد است:

"باید بدانند ما شه را به خاطر چه و به سوی چه کسانی ... بقیه صفحه ۱"

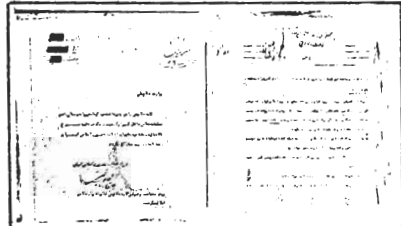
کرده اند. فرار پرسنل انقلابی ارتش از نقاط مختلف کردستان و خودداری آنان از شرکت در جنگ برادر کشی کردستان هرروز دامنه وسیعتری می گیرد. مبارزات پرسنل انقلابی ارتش، ادامه مبارزاتی است. که بر محور استقرار شوراهای سربازان، درجه داران، همافران و افسران جز' به منظور ایجاد یک ارتش مردمی و دارای پیوندهای استوار با زحمتکشان صورت می گیرد.

نظامیان سرکوبگر در کردستان فاجعه می آفرینند

و بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی از شورای انقلاب! جایزه می گیرند!!

کشتار هم مهیا کرد ما شرکت می کنند. به استخدام مزدور برداشته است. این عاملین کشتار خلق، در واقع چیزی نیست جز بخش شوری انقلاب در تعقیب برنامه همه جانبه برای سرکوب خلق کرد از آغاز تهاجم به کردستان در فروردین ۵۸ با برداشت ۹ واحد ضرب حقوقی به نظامی که در

از حاصل دسترنج کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران اعم از کرد، ترک، بلوچ، عرب و فارس ترکمن، سرکوب شده توسط شورای انقلاب برای کشتار خود آنان



من سند:
بسمه تعالی
شورای انقلاب
جمهوری اسلامی ایران

وزارت دفاع ملی
لايه قانونی راجع به پرداخت فوق العاده پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند که در جلسه مورخ ۵۸/۸/۲۹ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به پیوست ابلاغ می گردد.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
امضا: محمدحسین بهشتی
۵۸/۹/۱۲

من سند:
جمهوری اسلامی ایران
وزارت دفاع ملی
لايه قانونی برداخت فوق العاده روزانه پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند:

ماده واحده

به هریک از (افسران، درجه داران و همافران - رزهای صلح جمهوری اسلامی ایران (اعم از کادر ثابت و وظیفه) که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند علاوه بر فوق العاده روزانه که به موجب مقررات مربوط به آنان تعلق می گیرد، برای هر روز شرکت در عملیات بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی بعنوان فوق العاده مأموریت عملیات نظامی پرداخت می گردد.

تصره ۱- فوق العاده مأموریت عملیات نظامی سراسر وظیفه شرکت کننده در عملیات سنجندج در این قانون روزانه بر مبنای - ۱ ضرب حقوقی خواهد بود.

تصره ۲- از فوق العاده مأموران مشمول این قانون ثابت غذا و محل سکونت وجهی کسر نخواهد شد.

تصره ۳- مقررات این قانون از تاریخ ۵۸/۱/۱ قابل اجرا می باشد.

تصره ۴- نوع و مدت عملیات نظامی را ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تعیین می نماید.

(خوانائست) شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵۸/۸/۲۹

امضا: قطب زاده جمران

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر